

۲ اصل مذاکره
محسن هاشمی گفتار

۲ سیاست

چرا وحدت شکنی؟

گفت و گو با هاشمی طباطبائی، فلاح پیشه و مهاجری

۶ توسعه

ریزش ناگهانی طلا

چرا قیمت طلا در حال کاهش است؟

۸ ورزش

در انتظار ویزا
چه خبر از تیم ملی فوتبال؟۷
کوچه

داغ الهام

گفت و گوی سازندگی با پدر الهام زانری
دختر ۱۱ ساله‌ای که در حمله آمریکا و اسرائیل
به لامرد در باشگاه والیبال به شهادت رسید

یادداشت روز

سراشیبی مهاجرت

بحران معیشت، ماندگاری کادر درمان را
با چالش جدی روبه‌رو کرده است

فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل
حزب کارگران سازندگی ایران

در شرایطی که براساس آمارهای اعلام شده ۸۱ درصد رزیدنت‌های پزشکی به مهاجرت فکر می‌کنند و ۷۹ درصد آنان از ورود به دوره رزیدنتی پشیمان هستند، بحران نیروی انسانی در نظام سلامت ایران بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داده است. به شکلی که بسیاری از پزشکان شغل خود را ترک کرده‌اند، مسیر حرفه‌ای‌شان را تغییر داده‌اند یا مهاجرت را برگزیده‌اند. سیل مهاجرت پزشکان به کشورهای حاشیه خلیج فارس همچنین کشورهای اروپایی، موضوعی است که سال‌ها مطرح می‌شود اما متأسفانه به نظر می‌رسد همه به‌سادی از کنار آن عبور می‌کنند و توجه کافی به آن نمی‌شود. باید توجه داشت که پزشکان، پرستاران، فیزیوتراپیست‌ها، تکنسین‌ها و سایر اعضای گروه پزشکی، سرمایه‌های انسانی جامعه هستند؛ افرادی که برای رسیدن به جایگاه فعلی‌شان، هزینه‌های فراوانی صرف شده و کشور باید بتواند از این سرمایه‌ها بهره‌مند شود. با این حال، وقتی از وضعیت پزشکان سخن می‌گوییم باید در نظر داشته باشیم که بحران در حوزه‌های پیرایشی حتی جدی‌تر است. زمانی که یک پزشک، به‌ویژه پزشک عمومی، از تأمین یک زندگی معمولی برای خود ناتوان می‌شود، چگونه می‌توان با قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های اداری انتظار داشت که در حرفه پزشکی باقی بماند و به طبابت ادامه دهد؟ سال‌هاست که موضوع واقعی نبودن تعرفه‌های پزشکی مطرح است. هر زمان که بحث واقعی‌سازی تعرفه‌ها پیش می‌آید، تنها به درآمد برخی پزشکان اشاره می‌شود؛ پزشکانی با تخصص‌های خاص یا کمیاب که گاه بحث دریافت‌های خارج از تعرفه نیز درباره آنها مطرح است. فارغ از درست یا نادرست بودن این موضوع، واقعیت آن است که حتی برای همین گروه نیز تعرفه‌ها به اندازه‌های غیر واقعی است که با در نظر گرفتن هزینه‌های اداره مطب، مالیات، بیمه کارکنان و سایر هزینه‌ها ادامه فعالیت اقتصادی عملاً دشوار می‌شود. از سوی دیگر، پرستارانی را داریم که در مراکز درمانی مشغول به کار هستند و اضافه‌کاری‌هایی به آنها تحمیل می‌شود که دستمزد ساعتی آن حتی از اضافه‌کار یک کارگر ساده نیز کمتر است. اینها معضلات بسیار جدی‌ای هستند که سال‌هاست، جامعه پزشکی را درگیر کرده‌اند. امروز تنها گروهی از پزشکان که در حوزه زیبایی فعالیت می‌کنند از شرایط درآمدی مناسب‌تری برخوردارند. بسیاری از پزشکان عمومی عملاً طبابت عمومی را کنار گذاشته و به حوزه زیبایی روی آورده‌اند تا بتوانند حداقل‌های زندگی خود را تأمین کنند. تعداد پزشکان عمومی برای پوشش کشیک درمانگاه‌ها و مراکز شبانه‌روزی نیز به حداقل رسیده است. بدون تردید در سال‌های آینده با بحرانی مواجه خواهیم شد که در آن تمایل به فعالیت در حوزه درمان بیماری‌های داخلی و بیماری‌های عمومی به‌شدت کاهش خواهد یافت. هم‌اکنون نیز با کمبود پرستار در بیمارستان‌ها مواجه هستیم و به هیچ‌وجه قادر به رعایت استانداردهای بین‌المللی در نسبت پرستار به تخت بیمارستانی نیستیم. این مسئله به‌طور مستقیم بر کیفیت خدمات درمانی تأثیر می‌گذارد و موجب افت کیفیت مراقبت‌های پزشکی می‌شود. به اعتقاد من اکنون بهترین فرصت برای وزیر بهداشت فعلی است - که خوشبختانه از جمله وزیرانی است که شناخت عمیقی از این مسائل دارد و درد جامعه پزشکی و پیرایشی را به‌خوبی می‌شناسد - تا برای حل این معضل گام‌های مؤثری بردارد. موضوع دستیاران پزشکی و رزیدنت‌ها نیز از جمله مسائل مهمی است که بارها درباره آن هشدار داده شده است. بسیاری از آنها دوره‌های تخصصی را نیمه‌کاره رها کرده‌اند و برخی نیز به دلیل فشارهای شدید کاری و روانی تا مرز خودکشی پیش رفته‌اند. آمار قابل‌توجه خودکشی در میان دستیاران پزشکی در کشور، زنگ خطر جدی است که نباید نادیده گرفته شود. هم برای کاهش فشارهای کاری و بهبود شرایط زندگی دستیاران و هم برای تأمین مالی پزشکان جوانی که وارد بازار کار می‌شوند، باید تدابیر جدی اندیشیده شود. در غیر این صورت، حفظ این سرمایه‌های ارزشمند انسانی برای کشور روزبه‌روز دشوارتر خواهد شد و نظام سلامت با بحران‌های عمیق‌تری روبه‌رو می‌شود.

شکاف عربی

وال استریت ژورنال خبر داد: عربستان سعودی از آمریکا خواسته که امارات متحده عربی را تحت فشار قرار دهد تا به تلاش‌های دیپلماتیک پیوندد سازندگی به بررسی اختلافات میان این دو کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس پرداخته که از جنگ رمضان آغاز شد

انجام شده که هر دو اطلاعات را ارائه داده‌اند. این حملات شامل اهدافی در جزایر قشم و ابوموسی در تنگه هرمز، بندرعباس، پالایشگاه نفت در جزیره لاران در خلیج فارس و مجتمع پتروشیمی عسلویه است.

| ادامه در صفحه ۳

را برای توقف و پیوستن به تلاش‌های دیپلماتیک تحت فشار قرار دهد. امارات متحده عربی از روزهای اولیه جنگ علیه ایران دهها حمله هوایی علیه ایران انجام داد که تا روز پس از اعلام آتش‌بس در ۱۹ فروردین ماه نیز ادامه یافت. این حملات با هماهنگی ایالات متحده و اسرائیل

حمله تلافی‌جویانه امارات متحده عربی به اهداف ایرانی از جمله تأسیسات نفتی در بندرعباس و عسلویه، خطر حملات متقابل ایران به زیرساخت‌های انرژی خلیج فارس و افزایش شدید قیمت نفت را به همراه دارد. براساس این گزارش، ریاض از ایالات متحده خواسته تا ابوظبی



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

وال استریت ژورنال در گزارشی نوشت که عربستان سعودی اوایل ماه میلادی گذشته به واشنگتن شکایت کرد که دهها



گفتار

اصل مذاکره

محسن هاشمی: اختلافها بیشتر بر سر سطح مطالبات و شیوه مدیریت مذاکرات است



گروه سیاسی: محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، طی روزهای اخیر در گفت‌وگو با جماران به بررسی شرایط سیاسی و امنیتی کشور، مذاکرات با آمریکا، نقش مردم در تحولات اخیر و ضرورت حفظ انسجام داخلی پرداخت.

هاشمی در ابتدای این گفت‌وگو با اشاره به ساختار تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی گفت که هیچ اقدام مهمی، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی، بدون هماهنگی با ارکان اصلی نظام انجام نمی‌شود. به گفته او، تصمیمات کلان کشور در شورای عالی امنیت ملی اتخاذ می‌شود و اجرای آنها نیز منوط به تأیید رهبری است. از این رو، طرح این ادعا که مذاکرات یا تصمیمات مهم بدون اطلاع یا موافقت مقامات عالی نظام انجام می‌شود، نادرست و ناشی از فضا سازی سیاسی است.

او با بیان اینکه امروز اصل مذاکره دیگر محل اختلاف نیست، تصریح کرد که اختلاف‌ها بیشتر بر سر سطح مطالبات و شیوه مدیریت مذاکرات است. هاشمی هشدار داد که برخی جریان‌ها با طرح خواسته‌های حداکثری و غیرواقع‌بینانه، مانند خروج کامل آمریکا از منطقه یا پرداخت غرامت‌های گسترده، عملاً شرایطی ایجاد می‌کنند که هر توافق احتمالی به‌عنوان شکست معرفی شود. او تأکید کرد که تیم مذاکره‌کننده باید بر اساس منافع ملی و در چارچوب واقعیت‌های سیاسی و بین‌المللی حرکت کند.

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به رفتارهای دونالد ترامپ و با استفاده از تعبیر «گاو خشمگین» برای او، گفت که باید شرایطی فراهم شود تا در دو سال باقی‌مانده از دوره حضور ترامپ در قدرت، هزینه و آسیب‌های ناشی از تصمیمات هیجانی و فشارهای او علیه ایران کاهش یابد. هاشمی تأکید کرد که ترامپ ماندگار نیست و ایران نباید تصمیمات راهبردی خود را صرفاً بر اساس شرایط فعلی تنظیم کند. به اعتقاد او، اگر توافقی نیز در شرایط فشار امضا شود، در آینده و با تغییر فضای سیاسی آمریکا، امکان بازنگری و مذاکره مجدد وجود خواهد داشت. او همچنین گفت که اکنون مهم‌ترین هدف باید جلوگیری از افزایش فشار اقتصادی، فقر و آسیب‌های اجتماعی بر مردم باشد.

هاشمی در ادامه به برخی مسائل منطقه‌ای و راهبردی، از جمله موضوع تنگه هرمز و برنامه هسته‌ای ایران، اشاره کرد و گفت که مسئولان باید با نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع، تصمیمات واقع‌بینانه اتخاذ کنند. او معتقد است که حفظ توان بازدارندگی ایران اهمیت زیادی دارد اما در عین حال باید از اقداماتی که ممکن است بهانه‌ای برای افزایش فشارهای بین‌المللی ایجاد کند، پرهیز شود.

بخش مهمی از سخنان محسن هاشمی به نقش مردم در شرایط اخیر اختصاص داشت. او حضور و همراهی مردم را عامل اصلی شکل‌گیری «حسن پیروزی» در کشور دانست و گفت بیش از ۶۰ درصد موفقیت‌ها و مقاومت کشور ناشی از حضور مردم در صحنه بوده است. به گفته او، اگر مردم همراهی نمی‌کردند، امکان وقوع بحران‌های داخلی و ناآرامی‌های گسترده وجود داشت. او همچنین سهم توان نظامی و فناوری‌های دفاعی را حدود ۳۰ درصد و نقش مدیران و مسئولان را ۱۰ درصد ارزیابی کرد.

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با قدردانی از صبر و تحمل مردم در برابر مشکلات اقتصادی، گرانی و فشارهای ناشی از شرایط جنگی و تحریم‌ها، تأکید کرد که مسئولان باید قدر این همراهی را بدانند و از هرگونه اقدام در جهت تضعیف دولت یا افزایش اختلافات داخلی پرهیز کنند. هاشمی در پایان خاطر نشان کرد کشور هنوز وارد مرحله واقعی بازسازی و سازندگی نشده و همچنان در شرایط «نه جنگ و نه صلح» قرار دارد. از نگاه او، عبور موفق از این شرایط، نیازمند عقلانیت، انسجام داخلی و حفظ اعتماد و همراهی مردم است.

چرا وحدت‌شکنی؟

سیدمصطفی هاشمی طباطبائی، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه و محمد مهاجری در گفت‌وگو با سازندگی از ضرورت وحدت، تقویت امید در جامعه و پرهیز از اختلافات پوچ سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی سخن گفتند



محمد مهاجری

تصمیمات کلان سیاست خارجی تبدیل شوند، کشور هرگز به سمت جنگ سوق پیدا نمی‌کند. امروز نیز ضروری است این کشور به‌گونه‌ای عمل کند که منافع ملی در اولویت قرار گیرد و کشور صرفاً به دلیل منافع یا ملاحظات یک جریان محدود و افراطی در شرایط تنش و جنگی باقی نماند.

فقط می‌خواهند دیده شوند

محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا هم در تحلیل رفتار برخی چهره‌های سیاسی، بر انگیزه‌های فردی و رسانه‌ای این افراد تأکید می‌کند: «برخی از نمایندگان مجلس همچنین بعضی از چهره‌های سیاسی خارج از مجلس یک ویژگی مشترک دارند و آن این است که می‌خواهند همیشه دیده شوند و همیشه روی آنتن باشند. به هر حال برای برخی افراد مهم است که در هر شرایطی در معرض توجه قرار بگیرند و نامشان مطرح باشد. من قبلاً هم گفته‌ام که بعضی افراد آن‌قدر به دنبال شهرت هستند که حاضرند برای دیده شدن هر اقدامی انجام دهند. برای این دسته از افراد، اصل ماجرا مطرح شدن و دیده شدن است و همین برایشان کفایت می‌کند.

اگر دقت کنید، گاهی بی‌سوادترین، بی‌ملاحظه‌ترین، بی‌پروا ترین و حتی بی‌ادب‌ترین افراد را در میان همین چهره‌ها می‌بینید. این تیپ افراد در دوره‌های مختلف وجود داشته‌اند. در دوره امام هم از این افراد بودند، در دوره رهبری شهید نیز حضور داشته‌اند و هنوز هم هستند. بسیاری از آنها نه به توصیه‌ها توجه می‌کنند و نه چندان پایبند به ملاحظات متعارف سیاسی هستند. به قول معروف «نیش عقرب نه از ره کین است، اقتضای طبیعتش این است». اینها اساساً عادتشان همین است که با اظهارات جنجالی و رفتارهای غیرمتعارف، خود را در مرکز توجه نگه دارند. برخی از این افراد واقفاً به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی اصل و اساس فعالیت سیاسی برایشان دیده شدن است، نه حل مسائل کشور. ممکن است حتی برنامه و ایده مشخصی هم نداشته باشند، اما از حضور در فضای رسانه‌ای و سیاسی لذت می‌برند و سبک زندگی سیاسی‌شان بر مبنای همین رفتار بیمارگونه شکل گرفته است.»

مهاجری درباره اینکه چگونه می‌توان با وجود این اظهارات ساختارشکنانه به وحدت رسید، می‌گوید: «به نظر من باید توجه داشت که به هر حال این افراد هر از گاهی چنین فضاها و حاشیه‌هایی را ایجاد می‌کنند. اما واقعیت این است که بسیاری از آنها به‌تنهایی واجد آن میزان از وزن و اثرگذاری سیاسی که تصور می‌شود، نیستند. به اعتقاد من، بخش مهمی از قدرت و حضور آنها ناشی از وابستگی به برخی جریان‌ها و مراکزی است که در ساختار قدرت حضور دارند و برای اهل سیاست نیز تا حد زیادی شناخته شده‌اند.

بنابراین نباید صرفاً بر روی چهره‌های سیاسی متمرکز شد و تصور کرد که همه تأثیرگذاری از ناحیه خود آنها ناشی می‌شود. تحلیل من این است که اثرگذاری سیاسی آنها به پشتوانه‌ها و جریان‌هایی بازمی‌گردد که از آنها حمایت می‌کنند. در غیر این صورت به‌تنهایی از آن ظرفیت لازم برای چنین میزان اثرگذاری برخوردار نیستند. البته منظورم کسی مثل سعید جلیلی نیست، خود سعید جلیلی هم به یک جاهایی وابسته است؛ وگرنه اینها خودشان به لحاظ شخصی و شخصیتی آنچنان زنی ندارند. در واقع، افرادی هستند که در جاهای دیگری تصمیم‌گیری می‌کنند و در درون حاکمیت حضور دارند.

به همین دلیل معتقدم باید به مراکز و کانون‌هایی توجه کرد که در درون حاکمیت تصمیم‌سازی می‌کنند و زمینه فعالیت این افراد را فراهم می‌آورند. در نهایت هم وقتی از سوی رأس نظام یا مقامات عالی نظام به این افراد دستور سکوت داده شود، همه کسانی که به‌عنوان هوادار، پیرو یا بازوی رسانه‌ای آنها عمل می‌کنند نیز سکوت می‌کنند. این نشان می‌دهد که تصمیم اصلی در سطوح بالاتری گرفته می‌شود و این افراد بیشتر نقش اجراکننده یا بیان‌کننده آن مواضع را بر عهده دارند.»



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

در ماه‌های اخیر، به‌ویژه در جریان برخی تجمعات و تحرکات سیاسی خارج از مجلس، بخشی از جریان تندرو تلاش کرده است، فضای سیاسی کشور را حول محور تقابل‌های مستمر و مرزبندی‌های حداکثری تعریف کند. این در حالی است که پس از جنگ اخیر و فشارهای اقتصادی و تحولات منطقه‌ای، بسیاری از فعالان سیاسی و حتی نمایندگان مجلس معتقدند کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش، انسجام و تمرکز بر مسائل واقعی مردم است. پیام اخیر رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان مجلس هم دقیقاً در چنین بستری صادر شد. ایشان براینکه حتی اختلافات موجه نباید به نزاع و تفرقه تبدیل شود و بر ضرورت وحدت، حل مشکلات اقتصادی، تقویت امید در جامعه و پرهیز از اختلافات سیاسی پوچ و برجسته‌سازی تفاوت‌های اجتماعی تأکید کردند.

ممکن است در آینده قربانی شکل‌گیری یک دیپلماسی واقعی شوند؛ زیرا روند تحولات به سمتی حرکت می‌کند که ایران ناگزیر به توافق خواهد رسید.

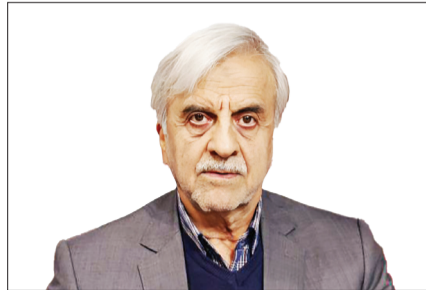
در آن شرایط، پس از شکل‌گیری فضای غیرجنگی، احتمال مواخذه فرا افراطیون افزایش خواهد یافت و حتی ممکن است این مواخذه به محاکمه نیز منجر شود. از همین رو به نظر می‌رسد که آنان تلاش می‌کنند، مانع هرگونه توافق شوند؛ زیرا شرایط جنگی را برای خود مناسب‌تر از شرایط پاسخگویی پس از جنگ می‌دانند و ترجیح می‌دهند، کشور همچنان در وضعیت بحرانی باقی بماند تا مجبور به پاسخگویی درباره عملکرد و اظهارات گذشته خود نشوند.»

او تأکید می‌کند: «از دل همین جریان، مجموعه‌ای از دروغ‌ها و روایت‌های نادرست شکل گرفت که بعدها به دستاویزی برای ترامپ و نتانیاهو جهت حمله به ایران تبدیل شد. از جمله این دروغ‌ها می‌توان به موضوعاتی مانند وجود برنامه هسته‌ای نظامی در ایران، ضرورت دستیابی کشور به بمب هسته‌ای، یا ادعاهایی درباره هدف قرار دادن آمریکا اشاره کرد. این روایت‌ها، فضایی را ایجاد کرد که ترامپ چند روز پیش از آغاز جنگ در سخنرانی‌های خود بر آنها تأکید می‌کرد و نتانیاهو نیز به‌طور مداوم مدعی بود که ایران برنامه‌ای برای نابودی اسرائیل دارد.

به همین دلیل معتقدم زمانی که کشور وارد جنگ شد این جریان نیز عملاً در معرض پاسخگویی قرار گرفت؛ چراکه بخشی از زمینه‌های سیاسی و تبلیغاتی شکل‌گیری آن شرایط، محصول سال‌ها رفتار، گفتار و سیاست‌ورزی همین طیف بوده است.»

مهاجری معتقد است که جلوگیری از تکرار چنین روندی نیازمند ایفای نقش فعال‌تر نهادهای مسئول در حوزه سیاست خارجی است و شورای عالی امنیت ملی باید نقش مؤثرتری در ایجاد وحدت و انسجام در سیاست خارجی ایفا کند: «حتی در دمکراتیک‌ترین کشورهای غربی نیز سیاست خارجی در چارچوب نهادهای مشخص و مسئول اتخاذ و اجرا می‌شود. در ایران نیز شورای عالی امنیت ملی مسئول تصمیم‌گیری درباره مسائل کلان سیاست خارجی است و طبق قانون، موضوعات راهبردی و کلان‌ا این حوزه در این شورا بررسی و تصویب می‌شود. طبیعتاً هر مصوبه‌ای که در این سطح به تصویب می‌رسد، چه در زمینه مذاکره و دیپلماسی و چه در موضوعات مرتبط با جنگ و امنیت دارای پیوسته‌های سیاسی، رسانه‌ای و تبلیغاتی خاص خود است. این تصمیمات معمولاً با مجموعه‌ای از موضع‌گیری‌های رسمی و غیررسمی همراه می‌شوند که باید به‌درستی مدیریت شود. یکی از دلایلی که موجب شده برخی جریان‌های افراطی در داخل کشور به‌شدت به ساختارشکنی و وحدت‌شکنی روی آورده‌اند این است که شورای عالی امنیت ملی در انجام بخشی از وظایف خود، به‌ویژه در شکل‌دهی به وحدت در سیاست خارجی، عملکرد مؤثری نداشته است. میزان این اختلاف‌افکنی و ساختارشکنی به حدی بوده که حتی در مواردی در اظهارات ترامپ نیز به آن اشاره شده است.

من معتقدم اگر در سال‌های گذشته، شورای عالی امنیت ملی با جدیت بیشتری به این وظیفه عمل می‌کرد و اجازه نمی‌داد برخی شعارها و مواضع افراطی به موانعی در مسیر مذاکرات و



سیدمصطفی هاشمی‌طباطبائی

عاطفه شمس گروه سیاسی

در ماه‌های اخیر، به‌ویژه در جریان برخی تجمعات و تحرکات سیاسی خارج از مجلس، بخشی از جریان تندرو تلاش کرده است، فضای سیاسی کشور را حول محور تقابل‌های مستمر و مرزبندی‌های حداکثری تعریف کند. این در حالی است که پس از جنگ اخیر و فشارهای اقتصادی و تحولات منطقه‌ای، بسیاری از فعالان سیاسی و حتی نمایندگان مجلس معتقدند کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش، انسجام و تمرکز بر مسائل واقعی مردم است. پیام اخیر رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان مجلس هم دقیقاً در چنین بستری صادر شد. ایشان براینکه حتی اختلافات موجه نباید به نزاع و تفرقه تبدیل شود و بر ضرورت وحدت، حل مشکلات اقتصادی، تقویت امید در جامعه و پرهیز از اختلافات سیاسی پوچ و برجسته‌سازی تفاوت‌های اجتماعی تأکید کردند.

برخی جریان‌ها خود را برتر می‌دانند

سیدمصطفی هاشمی‌طباطبائی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو شورای عالی مشورتی حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با سازندگی، ریشه بخشی از این رفتارها را در نوع نگاه و باورهای برخی جریان‌ها جست‌وجو می‌کند و می‌گوید: «وقتی کسی ولایت فقیه را قبول نداشته باشد، طبیعتاً می‌گوید من باید بروم و او را هدایت کنم. این حرف‌ها را خودشان هم گفته‌اند. به نظر من، این افراد یک مشکل اعتقادی دارند؛ یعنی در لایه‌های عمیق فکری واقعاً به وحدت معتقد نیستند و خودشان را برتر می‌دانند. او تأکید می‌کند که این را با نگاه حسن‌نیت می‌گوید و ادامه می‌دهد: «اگر کسی بخواهد با سوءظن به این موضوع نگاه کند، ممکن است به نتایج دیگری برسد. اما برداشت من این است که اصل ماجرا به این برمی‌گردد که این مبانی را قبول ندارند. وقتی کسی واقعاً چیزی را قبول داشته باشد چنین برخوردی با آن نمی‌کند.»

هاشمی طباطبائی معتقد است که «رسیدگی به این مسائل بر عهده مسئولان کشور و نهادهای ذی‌ربط از جمله قوه قضائیه است و این نهادها باید نسبت به افرادی که ظاهراً در چارچوب نظام حرکت می‌کنند اما در عمل رفتار دیگری دارند، حساسیت و دقت لازم را داشته باشند.»

افراطی‌ها نگران مواخذه ملی در آینده هستند

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، فعال سیاسی و نماینده پیشین مجلس اما ریشه بخشی از این رفتارها را در نگرانی جریان‌های افراطی از پاسخگویی ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «بخشی از رفتارهای امروز برخی سیاستمداران ناشی از نوعی افراط‌گرایی فزاینده همچنین تلاش برای فرار از پاسخگویی در قبال شرایط کنونی ایران است. این جریان همواره یک اقلیت در دل یک اقلیت در کشور بوده و حتی امروز نیز بسیاری از کسانی که در گذشته با آن همسو بودند، دیگر زیر بار آسیب‌هایی که به منافع ملی وارد کرده‌اند، نمی‌روند.

فلاحت‌پیشه می‌گوید: «به اعتقاد من، این جریان افراطی به‌شدت نگران مواخذه ملی است؛ چراکه در سال‌های گذشته نقش مهمی در از بین بردن بسیاری از کانال‌های دیپلماسی کشور داشته است. به‌ویژه زمانی که در نهادهایی مانند مجلس و برخی تریبون‌های رسانه‌ای نفوذ و جایگاه پیدا کردند با طرح مجموعه‌ای از ادعاها و مسائل نادرست در حوزه سیاست خارجی، هزینه‌های سنگینی به کشور تحمیل کردند. برای مثال، برخی افراد با طرح ادعاهای کاذبی مانند «فروختن سرداران ایران در برجام»، فضای سیاسی کشور را به سمت ترس و محافظه‌کاری سوق دادند و موجب شدند، دیپلمات‌ها در مقاطع حساس نتوانند با جسارت لازم عمل کنند. در نتیجه در دو مقطع مهم و مناسب، یعنی سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ توافق با دولت بایدن شکل نگرفت. به باور من، اگر آن توافق انجام می‌شد، ایران با جنگ‌های ۱۲ روزه و ۳۹ روزه مواجه نمی‌شد. امروز کشور هزینه‌های سنگینی را در نتیجه این جنگ‌ها پرداخت کرده است درحالی که بخش قابل‌توجهی از افرادی که در شکل‌گیری این شرایط نقش داشته‌اند عملاً هزینه‌ای متحمل نشده‌اند. به همین دلیل معتقدم این سیاستمداران تندرو در محافل خصوصی خود نیز به این نتیجه رسیده‌اند که



ادامه تیتربیک

شکاف عربی

حمله به عسلویه که با همکاری اسرائیل انجام شد، واکنش‌های بین‌المللی قابل‌توجهی را به دنبال داشت و باعث شد، ایالات متحده از اسرائیل بخواهد حمله به تأسیسات انرژی را متوقف کند. مقامات کشورهای خلیج فارس نیز پیش‌تر اعلام کردند که شیخ محمد بن‌زاید، رئیس امارات متحده عربی اوایل جنگ پس از آنکه محمد بن‌سلیمان، ولیعهد عربستان سعودی از شرکت در اقدامات نظامی هماهنگ علیه ایران خودداری کرد از او ناامید شد. علاوه بر این حملات، امارات متحده عربی از پیش‌نویس قطعنامه‌ای در سازمان ملل متحد حمایت کرد که در صورت لزوم استفاده از زور را برای شکستن تسلط ایران بر آبراه استراتژیک تنگه هرمز مجاز می‌دانست.

این تحولات به‌خوبی نشان می‌دهد، جنگ گسترده و ویرانگر میسان ایران، ایالات متحده و اسرائیل نه‌تنها موازنه‌های نظامی خاورمیانه را دگرگون کرد بلکه شکاف‌های پنهان در ساختار سیاسی و امنیتی جهان عرب را نیز آشکار ساخت. در شرایطی که بسیاری از کشورهای عربی پس از پایان درگیری‌ها، تلاش کرده‌اند با احتیاط بیشتری به سمت کاهش تنش‌ها و بازسازی ثبات منطقه‌ای حرکت کنند، امارات متحده عربی مسیری متفاوت و تساهل‌متضاد را برگزیده است.

برای سال‌ها ابوظبی به‌عنوان یکی از ماهرترین بازیگران منطقه در

دیدگاه: یادداشت‌ورده

توافق دشوار

ضرورت عبور از وضعیت فرسایشی



هادی آخوندی نعمت‌آباد

تحلیلگر سیاسی

۴۰ روز مداخله نظامی مستقیم، حملات گسترده، تهدید مستمر و ورود بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرماندهی‌های به بحران، به آتش‌بسی شکننده و مذاکراتی پیچیده منتهی شد؛ مذاکراتی که با میانجی‌گری پاکستان آغاز شد و به‌تدریج با ورود کنشگرانی همچون چین، قطر و برخی کانال‌های غیررسمی، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است.

با این حال، آنچه امروز در فضای سیاسی و اجتماعی ایران بیش از هر چیز قابل مشاهده است، نه اطمینان به صلح بلکه نوعی احتیاط راهبردی نسبت به آینده تحولات است.

واقعیت آن است که جامعه ایران هم‌زمان دو مطالبه را دنبال می‌کند. از یک‌سو پایان وضعیت فرسایشی و بازگشت ثبات به کشور و از سوی دیگر، پرهیز از گرفتار شدن در توافق ناپایدار و مبتنی بر بدعهدی‌های تکرار شونده طرف

مقابل. این دوگانه، برخلاف برخی تحلیل‌های سطحی، نشانه تناقض افکار عمومی نیست بلکه بازتاب تجربه تاریخی جامعه ایرانی در مواجهه با ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن است. در فضای متحدان منطقه‌ای ایران، حافظه تاریخی همچنان فعال است. خروج آمریکا از توافقات پیشین، تشدید تحریم‌ها پس از مذاکرات، سیاست فشار حداکثری و نهایتاً عبور از سطح تقابل غیرمستقیم به اقدام نظامی موجب شده که نگاه عمومی به هرگونه توافق احتمالی، نگاهی توأم با تردید و محاسبه باشد. در چنین شرایطی، طبیعی است که افکار عمومی نه بر بنیاد ادبیات خوش‌بینانه دیپلماتیک بلکه براساس موازنه واقعی قدرت و رفتار عملی طرف مقابل، قضاوت کند.

در سوی دیگر معادله نیز تحولات مهمی رخ داده است. به‌منظر می‌رسد، محاسبات اولیه واشنگتن و شخص ترامپ در آغاز بحران مبتنی بر این فرض بود که فشار ترکیبی نظامی، امنیتی و روانی می‌تواند ساختار تصمیم‌گیری در ایران را دچار اختلال کرده و تهران را در موقعیت ضعف راهبردی قرار دهد. بر همین اساس، حمله در میانه روند مذاکرات پیش از آنکه اقدامی صرفاً نظامی باشد، تلاشی برای تغییر موازنه سیاسی به

عرصه موازنه‌سازی شناخته می‌شد. رهبران این کشور توانسته بودند روابط خود را هم‌زمان با قدرت‌های غربی، بازیگران منطقه‌ای و شرکای اقتصادی گوناگون حفظ کنند و از این طریق جایگاه امارات را به‌عنوان یک مرکز مالی و تجاری جهانی تثبیت کنند. اما جنگ اخیر شرایطی را رقم زد که این الگوی سنتی را به چالش کشید. حملات گسترده پهپادی و موشکی به زیرساخت‌های حیاتی امارات، به‌ویژه مراکز اقتصادی و لجستیکی این کشور، این برداشت را در میان تصمیم‌گیران ابوظبی تقویت کرد که دوران موازنه‌گری محتاطانه به پایان رسیده و اکنون امنیت باید بر تمامی ملاحظات دیگر اولویت یابد. از همین منظر، تغییرات سیاست خارجی امارات را باید نتیجه مستقیم تجربه جنگ دانست. خروج از اوپک، افزایش همکاری‌های نظامی با آمریکا و اسرائیل و تلاش برای ادغام سامانه‌های پیشرفته دفاعی در ساختار امنیتی کشور، همگی نشانه‌هایی از یک چرخش راهبردی عمیق هستند. برخلاف گذشته که ابوظبی می‌کوشید میان بازیگران مختلف منطقه‌ای فاصله‌ای متوازن حفظ کند اکنون نشانه‌های روشنی از انتخاب یک محور امنیتی مشخص مشاهده می‌شود.

این تغییر اما تنها یک جابه‌جایی تاکتیکی نیست بلکه بیانگر اختلافی بنیادین درباره ماهیت تهدیدات منطقه‌ای است. امارات معتقد است که جنگ اخیر ثابت کرده، ایران همچنان مهم‌ترین

تهدید امنیتی برای کشورهای خلیج فارس محسوب می‌شود و برای تحقق اهداف خود از هدف قرار دادن مراکز اقتصادی و غیرنظامی نیز ابایی ندارد. در مقابل، بسیاری از کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی، اگرچه همچنان نسبت به تهران بدبینی‌هایی دارند اما راهبرد خود را بر حفظ کانال‌های ارتباطی و جلوگیری از بازگشت به چرخه تقابل مستقیم بنا کرده‌اند.

همین تفاوت در برداشت‌های امنیتی به‌تدریج به شکافی آشکار میان ابوظبی و ریاض تبدیل شده است. برای ریاض، حفظ ثبات بازار انرژی و جلوگیری از گسترش بحران در اولویت قرار دارد، در حالی که ابوظبی بیش از هر چیز به دنبال ایجاد بازدارندگی نظامی مؤثر است.

در همین حال، روابط امارات با اسرائیل نیز وارد مرحله‌ای جدید شده است. در حالی که بخش قابل‌توجهی از افکار عمومی جهان عرب و بسیاری از دولت‌های منطقه، اسرائیل را یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی‌های اخیر می‌دانند، ابوظبی رویکرد دیگری را اتخاذ کرده است. از نگاه رهبران امارات، اسرائیل نه یک مسئله ایدئولوژیک بلکه یک شریک راهبردی در حوزه‌های فناوری، اطلاعاتی و دفاعی است؛ شریکی که می‌تواند ابزارهای لازم برای حفاظت از اقتصاد و زیرساخت‌های این کشور را فراهم کند.

این رویکرد البته هزینه‌های سیاسی قابل‌توجهی نیز به همراه

تضمین‌کننده ثبات خواهد بود. آنچه اکنون اهمیت دارد، دستیابی به توافقی مبتنی بر توازن، ضمانت اجرایی و درک واقع‌بینانه از موازنه قدرت است.

در داخل کشور نیز نشانه‌هایی از غلبه نگاه واقع‌گرایانه بر فضای تصمیم‌گیری دیده می‌شود. برخلاف فضا سازی‌های هیجانی برخی جریان‌های تندرو و رسانه‌هایی که همچنان بر طبل تشدید بحران می‌کوبند، به‌منظر می‌رسد بخش اصلی ساختار سیاسی کشور به این جمع‌بندی رسیده که تداوم وضعیت موجود، نه از منظر اقتصادی و نه از منظر امنیت ملی قابل استمرار نیست. همین مسئله موجب شده که مسیر مذاکرات، به‌رغم همه بی‌اعتمادی‌ها، همچنان باز بماند.

افسکار عمومی نیز این تفاوت را به‌خوبی درک می‌کند. جامعه ایران امروز میان اقتدار و ماجراجویی تمایز قائل است. مردم از حفظ منافع ملی و تمامیت ارضی حمایت می‌کنند اما هم‌زمان خواهان آن هستند که کشور از چرخه بحران دائمی خارج شود. در واقع، مطالبه اصلی جامعه نه صرفاً آتش‌بس بلکه بازگشت ثبات، امنیت روانی، کاهش فشار اقتصادی و امکان پیش‌بینی‌پذیر شدن آینده است.

از همین منظر، مسئولیت اصلی حاکمیت پس از عبور از بحران، تازه آغاز خواهد شد. اگر مدیریت جنگ و جلوگیری از گسترش درگیری، یک ضرورت امنیتی بود، مدیریت پس‌انگ و ترمیم شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی، ضرورتی ملی و راهبردی خواهد بود.

جامعه‌ای که ماه‌ها تحت‌فشار جنگ، تحریم، نااطمینانی و التهاب روانی قرار داشته، طبیعتاً انتظار دارد که پس از پایان بحران، نشانه‌هایی واقعی از گشایش در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مشاهده کند. هیچ ساختار سیاسی نمی‌تواند برای مدت طولانی صرفاً بر منطق شرایط اضطراری تکیه کند. سرمایه اصلی هر نظام سیاسی، اعتماد عمومی است و این سرمایه بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازسازی و تقویت است.

شاید مهم‌ترین واقعیت امروز ایران همین باشد؛ اینکه کشور در نقطه‌ای قرار گرفته که هم‌زمان با بازدارندگی مؤثر و عقلانیت سیاسی نیاز دارد. عبور موفق از این مرحله، نه با شعارهای احساسی بلکه با تصمیم‌گیری واقع‌بینانه، تقویت انسجام داخلی و اولویت دادن به منافع ملی ممکن خواهد بود.



دارد. مسئله فلسطین همچنان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت سیاسی جهان عرب محسوب می‌شود و بسیاری از دولت‌های منطقه نمی‌توانند نسبت به حساسیت افکار عمومی در این زمینه بی‌تفاوت باشند. با این حال به‌منظر می‌رسد، تصمیم‌گیران اماراتی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بقای اقتصادی و امنیتی کشور ارزش پرداخت چنین هزینه‌هایی را دارد.

در مجموع، تحولات پس از جنگ نشان می‌دهد که خلیج فارس وارد مرحله‌ای تازه از رقابت‌های ژئوپلیتیکی شده است. اگر در گذشته شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان نمادی از هماهنگی سیاسی و اقتصادی کشورهای عربی شناخته می‌شد امروز بیش از هر زمان دیگری با واقعیت منافع متفاوت و حتی متعارض اعضای خود روبرو است. امارات با انتخاب مسیر همسویی عمیق‌تر با غرب و اسرائیل در حال بازتعریف جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت امنیتی مستقل است. مسیری که با شک و تردیدهای جدی درباره اتکا به آمریکا و اسرائیل و تأمین امنیت آن همراه است.

دیپلماسی

عملیات ناموفق مین‌روبی

ارتش آمریکا دست خالی برگشت

دو مقام آمریکایی و یک فرد مطلع اعلام کردند با وجود ادعای دونالد ترامپ مبنی بر اینکه ایران متعهد به حذف تعداد کمی از مین‌هایی شده که آمریکا از پاک‌سازی آنها خودداری کرده، واشنگتن مین‌گذاری ایران در تنگه هرمز را تأیید نکرده است. براساس این گزارش، آمریکا در اوایل تجاوز به ایران مدعی شد که ایران در حال مین‌گذاری در تنگه هرمز است اما کاوش‌های زیرآبی آمریکا نتوانست چیزی که بتوان به‌طور قطعی به‌عنوان مین شناسایی کرد را پیدا کند. شبکه خبری ان.بی.سی به نقل از یکی از افراد مطلع نیز گفته است: «اگر چیزی وجود داشته باشد، تهدید بسیار کمتر از آن چیزی بوده که ما از آن می‌ترسیدیم». این خبر، ادعای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا درباره مین‌گذاری در تنگه هرمز توسط ایران را رد می‌کند. ترامپ پیش‌تر در پستی در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال ادعا کرد آمریکا بخشی از این مین‌ها را با استفاده از مین‌روب‌های زیرآبی خود از بین برده و ایران نیز باید باقیمانده آنها را جمع‌آوری یا منهدم کند. او همچنین ادعا کرد، محاصره دریایی ایران به پایان می‌رسد و تهران هم باید اجازه دهد که کشتی‌ها از تنگه هرمز عبور کنند. ترامپ نوشت که ایران باید متعهد شود «هرگز» به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند و تنگه هرمز نیز فوراً برای عبور آزاد کشتی‌ها باز شود. ترامپ در این پیام اضافه کرده که تنگه هرمز باید «بدون محدودیت و بدون عوارض» برای رفت‌وآمد کشتی‌ها در هر دو جهت بازگشایی شود. در واکنش به اظهارات ترامپ، رسانه‌های داخلی ایران، سخنان رئیس‌جمهوری آمریکا درباره توافق احتمالی با ایران را «آمیخته‌ای از راست و دروغ» دانستند و تلاشی برای «نمایش پیروزی ساختگی» تلقی کردند. به نوشته فارس، متن توافق احتمالی که در قالب «تعهد در برابر تعهد» تنظیم شده هنوز در مراحل نهایی بررسی در ایران قرار دارد و تصمیم قطعی درباره آن گرفته نشده است. این گزارش همچنین بیان کرد، ترامپ به دلیل ناتوانی در خروج از روند مذاکرات، روایت‌هایی مطرح کرده که با متن توافق در تضاد است؛ از جمله درباره تنگه هرمز و برنامه هسته‌ای ایران.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

ریزش ناگهانی طلا

چرا قیمت طلا در حال کاهش است؟

نسرین خدادادی
<div>گروه اقتصاد</div>

بازار طلا و سکه در روزهای اخیر شریاطی پیچیده و پرابهام را تجربه می‌کند به‌گونه‌ای که برخلاف انتظار فعالان بازار، روند قیمت‌ها در این دو بازار همسو نیست. درحالی که قیمت طلا تحت تأثیر کاهش نرخ ارز در بازار داخلی وارد مسیر نزولی شده، بازار سکه رفتار نامتوازن و نامشخصی از خود نشان می‌دهد. این وضعیت سبب شده بسیاری از معامله‌گران در شرایطی از سردرگمی قرار گیرند که تعیین جهت آینده بازار دشوارتر از همیشه به نظر می‌رسد. در بازار داخلی مهم‌ترین عامل فشار بر قیمت طلا کاهش نرخ دلار است. قیمت ارز طی روزهای اخیر با افت حدود دو هزار تومانی به محدوده ۱۷۰ هزار تومان رسیده و همین موضوع باعث شده بهای هر گرم طلای ۱۸ عیار به کف کانال ۱۸ میلیون تومانی بازگردد. هم‌زمان متفال طلا نیز در محدوده ۷۸ میلیون تومان معامله می‌شود که نسبت به روزهای گذشته، کاهش محسوسی را نشان می‌دهد.

با این حال، شرایط در بازار سکه متفاوت است. برخلاف افت قیمت طلا، سکه توانسته مسیر مشخصی پیدا کند و هر یک از قطعات آن رفتار متفاوتی دارند. سکه امامی در محدوده ۱۸۱ میلیون تومان و سکه بهار آزادی حدود ۱۷۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان معامله می‌شوند. نیم‌سکه نیز در سطح ۹۴ میلیون تومان و ربع‌سکه در محدوده ۵۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان قرار دارد، درحالی که قیمت سسکه گرمی حدود ۲۷ میلیون تومان ثبت شده است. این ناهمگونی نشان می‌دهد، بازار سکه بیش از آنکه تحت تأثیر متغیرهای بنیادی قرار داشته باشد از انتظارات و رفتارهای احتیاطی سرمایه‌گذاران تأثیر می‌پذیرد. کارشناسان اقتصادی معتقدند یکی از دلایل اصلی بالانگیزی بازار، انتشار اخبار ضدوتقویض درباره روند مذاکرات ایران و آمریکا است. از یک‌سو، برخی اخبار از پیشرفت احتمالی مذاکرات و کاهش تنش‌های سیاسی حکایت دارد و از سوی دیگر، گزارش‌هایی درباره افزایش تنش‌ها و تشدید اختلافات منتشر می‌شود. این تقاض در اخبار موجب شده، بازار بتواند سیگنال روشنی دریافت کند و سرمایه‌گذاران برای اتخاذ تصمیم‌های جدید با تردید مواجه نشوند. در کنار عوامل داخلی، تحولات بازار جهانی طلا نیز نقش مهمی در تعیین روند قیمت‌ها ایفا می‌کند. گزارش هفتگی کیتکو نشان می‌دهد که بازار جهانی طلا هفته‌ای بسیار پرنوسان را پشت سر گذاشته است. قیمت هر اونس طلا معاملات هفتگی را در محدوده ۴۵۰۸ دلار آغاز کرد و در ابتدای هفته تحت تأثیر افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی تا محدوده ۴۵۸۰ دلار افزایش یافت. اما این روند صعودی دوام چندانی نداشت. تقویت شاخص دلار آمریکا، افزایش بازدهی اوراق خزانه‌داری و نگرانی‌های تورمی موجب شد، فشار فروش بر بازار طلا افزایش یابد. هم‌زمان سرمایه‌گذاران در انتظار انتشار داده‌های مهم اقتصادی آمریکا از جمله شاخص تورم مصرف شخصی (PCE) و آمار رشد اقتصادی بودند. این عوامل باعث شد، قیمت طلا در میانه هفته وارد مسیر نزولی شود و حتی تا کف هفتگی ۴۳۶۵ دلار در هر اونس نیز سقوط کند. با این حال از اواخر هفته شرایط بار دیگر تغییر کرد. انتشار گزارش‌هایی درباره احتمال پیشرفت در مذاکرات میان ایران و آمریکا همچنین کاهش نسبی نگرانی‌های تورمی سبب افت قیمت نفت و کاهش بازدهی اوراق خزانه‌داری آمریکا شد. این تحولات از بازار طلا حمایت کرد و بهای اونس جهانی را تا محدوده ۴۵۹۴ دلار افزایش داد. هرچند در پایان هفته بخشی از این رشد تعدیل شد و قیمت در سطح ۴۵۳۹ دلار تثبیت شد. بررسی مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که بازار طلا در حال حاضر میان دو نیروی متضاد گرفتار شده است. از یک‌سو کاهش قیمت دلار در بازار داخلی و فروکش نسبی نگرانی‌های سیاسی فشار نزولی بر قیمت‌ها وارد می‌کند و از سوی دیگر، نوسانات بازار جهانی، احتمال افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن و ابهام درباره سیاست‌های پولی آمریکا از قیمت طلا حمایت می‌کنند. در نتیجه، ریزش اخیر قیمت طلا را نمی‌توان نشانه‌ای قطعی از آغاز یک روند نزولی بلندمدت دانست. بازار همچنان در انتظار مشخص شدن نتایج مذاکرات سیاسی و انتشار داده‌های کلیدی اقتصاد آمریکا است. تا زمانی که این ابهامات برطرف نشود، احتمال ادامه نوسانات و رفتارهای نامنظم در بازار طلا و سکه وجود خواهد داشت و سرمایه‌گذاران باید با احتیاط بیشتری تصمیم‌گیری کنند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

نااطمینانی بزرگ برای جوانان

تصمیم‌گیران قرار است با اینترنت چه کنند؟

فریده اسکندری
<div>گروه اقتصاد</div>

در ماه‌های گذشته و به بهانه شرایط جنگی، یکی از اساسی‌ترین ابزارهای زندگی و کار شهروندان، بدون اطلاع قبلی و بدون وجود سازوکارهای شفاف پاسخگویی از دسترس خارج شد. قطع اینترنت تنها یک اختلال فنی یا محدودیت موقت نبود. این تصمیم به شکلی مستقیم بر زندگی روزمره میلیون‌ها نفر اثر گذاشت و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و حرفه‌ای را مختل کرد. امروز مهم‌ترین پرسش نسل جوان این است که آینده اینترنت در کشور چه خواهد شد؟ آیا اینترنت قرار است به‌عنوان زیرساختی پایدار و قابل اتکا برای زندگی و کسب‌وکار باقی بماند یا باید همواره نگران قطع، محدودسازی یا جایگزینی آن با نسخه‌هایی محدود و غیررقابتی بود؟

این پرسش در ظاهر بسیار ساده و پاسخ به آن بدیهی است اما در واقع به موضوعی بسیار عمیق‌تر یعنی «نااطمینانی» بازمی‌گردد. تجربه توسعه اقتصادی در جهان نشان می‌دهد که هیچ عاملی به اندازه نااطمینانی نمی‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری، نوآوری و فعالیت مولد را تضعیف کند. فعالان اقتصادی، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بیش از هر چیز به قابلیت پیش‌بینی آینده نیاز دارند. آنان باید بدانند قواعد بازی چیست و آیا این قواعد در میان راه تغییر خواهد کرد یا خیر. هنگامی که امکان قطع ناگهانی اینترنت وجود داشته باشد، در واقع این پیام به فعالان اقتصادی مخابره می‌شود که یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تولید و تجارت در هر لحظه ممکن است از دسترس خارج شود. در چنین شرایطی طبیعی است که افراد از برنامه‌ریزی بلندمدت فاصله بگیرند، سرمایه‌گذاری‌های جدید را متوقف کنند و حتی برای حفظ سرمایه‌های موجود نیز تردید داشته باشند. نااطمینانی زمانی شکل می‌گیرد که افراد نتوانند، آینده را پیش‌بینی کنند. در جامعه‌ای که شهروندان نسبت به آینده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود اطمینان ندارند، امید کاهش می‌یابد و تصمیم‌گیری دشوار می‌شود. این وضعیت را می‌توان به رانندگی در جاده‌ای مه‌آلود تشبیه کرد که راننده هر چقدر هم ماهر باشد، ناچار است سرعت خود را کاهش دهد و احتیاط زیادی پیشه کند. اقتصاد نیز دقیقاً به همین شکل عمل می‌کند. هرچه افق دید فعالان اقتصادی کوتاه‌تر شود، انگیزه آنها برای سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌هایشان کاهش می‌یابد. قطع اینترنت نه‌تنها خود یک محدودیت مستقیم است بلکه به دلیل ایجاد این تصور که چنین تصمیمی ممکن است دوباره تکرار شود، سطح نااطمینانی را به‌شدت افزایش می‌دهد. به همین دلیل آثار آن بسیار فراتر از چند روز یا چند هفته اختلال در ارتباطات است. از سوی دیگر، اینترنت امروز دیگر یک ابزار لوکس ارتباطی

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

روز باشکوه

صعود تاریخی بازار سهام چگونه رقم خورد؟

نسرین خدادادی
<div>گروه اقتصاد</div>

فعالیت بورس تهران دیروز با ثبت یکی از کم‌سابقه‌ترین روزهای تاریخ بازار سرمایه به پایان رسید. جریان معاملات به‌گونه‌ای رقم خورد که در بخش عمده‌ای از ساعات دادوستد، سمت تقاضا کنترل کامل بازار را در اختیار داشت و نشانه‌های روشنی از غلبه خریداران بر فروشندگان مشاهده می‌شد. شدت ورود نقدینگی و کمبود عرضه در بسیاری از نمادها به حدی بود که بازار فضای کاملاً صعودی و یکدست را تجربه کرد. در پایان معاملات، شاخص کل بورس با رشد ۷۹ هزار و ۷۲۵ واحدی معادل ۱.۹۶ درصد، به سطح ۴ میلیون و ۱۵۳ هزار و ۳۷۶ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز عملکردی حتی بهتر از شاخص کل داشت و با افزایش ۲۷ هزار و ۷۹۶ واحدی معادل ۲.۵۹ درصد در ارتفاع یک میلیون و ۱۰۱ هزار و ۲۸۶ واحد ایستاد. رشد بیشتر شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد که رونق بازار تنها به چند سهم بزرگ محدود نبوده و بخش گسترده‌ای از نمادهای بازار در این صعود مشارکت داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات دیروز فراگیری رشد قیمت‌ها در

یا صرفاً رسانه‌ای نیست بلکه به یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تولید در اقتصاد مدرن تبدیل شده است. بسیاری از کسب‌وکارها، از فروشگاه‌های کوچک اینترنتی گرفته تا شرکت‌های بزرگ فناوری، به‌طور کامل بر بستر اینترنت فعالیت می‌کنند. در سال‌های اخیر بخش مهمی از رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی کشور از طریق همین کسب‌وکارهای نوین شکل گرفته است. هزاران جوان که شاید امکان حضور در بازار کار سنتی را نداشتند، توانسته‌اند با استفاده از اینترنت خدمات ارائه کنند، محصولات خود را بفروشند یا برای شرکت‌های داخلی و خارجی کار کنند. هنگامی که اینترنت قطع می‌شود، در واقع یکی از عوامل اصلی تولید از چرخه اقتصاد خارج می‌شود. همان‌طور که قطع برق می‌تواند کارخانه‌ای را متوقف کند، قطع اینترنت نیز می‌تواند فعالیت هزاران کسب‌وکار را به حالت تعلیق درآورد. تجربه تاریخی کشورها نشان می‌دهد که سقوط اقتصادی بسیار آسان‌تر از دستیابی به رشد اقتصادی است. ساختن نهاده‌ا، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و ایجاد محیط مناسب برای کسب‌وکار به سال‌ها زمان نیاز دارد اما یک تصمیم نادرست می‌تواند در مدت کوتاهی بخش مهمی از این دستاوردها را از بین ببرد. بسیاری از کشورها به دلیل اختلال در عوامل تولید، بی‌ثباتی سیاسی و ایجاد نااطمینانی برای سرمایه‌گذاران در تله رکود و فقر گرفتار شده‌اند. در چنین شرایطی سرمایه‌ها به جای ورود به فعالیت‌های مولد، یا از کشور خارج می‌شوند یا به سمت فعالیت‌های غیرمولد و سفته‌بازانه حرکت می‌کنند. تهدید دائمی اینترنت نیز می‌تواند همین پیام را به فعالان اقتصادی منتقل کند که محیط کسب‌وکار از ثبات لازم برخوردار نیست و هر لحظه ممکن است با محدودیت‌های جدیدی مواجه شود. یکی دیگر از پیامدهای مهم اختلال در اینترنت، افزایش هزینه مبادله در اقتصاد است. اقتصاددانان معتقدند، بخش مهمی از پیشرفت اقتصادی ناشی از کاهش هزینه‌های مبادله است. یعنی هزینه‌هایی که افراد برای یافتن اطلاعات، ارتباط با مشتریان، عقد قرارداده‌ا و انجام معاملات متحمل می‌شوند. اینترنت این هزینه‌ها را به شکل بی‌سابقه‌ای کاهش داده است. امروز یک تولیدکننده کوچک می‌تواند بدون نیاز به واسطه‌های متعدد، محصول خود را به مشتریان عرضه کند. یک دانشجو می‌تواند خدمات آموزشی ارائه دهد، یک برنامه‌نویس می‌تواند پروژه دریافت کند و یک شرکت می‌تواند، بازار خود را گسترش دهد. همه این موارد به لطف کاهش هزینه مبادله امکان‌پذیر شده است. هنگامی که اینترنت محدود یا قطع می‌شود این هزینه‌ها دوباره افزایش می‌یابد و بخشی از مزیت‌های اقتصادی از بین می‌رود. نتیجه طبیعی چنین وضعیتی کاهش حجم مبادلات، افت بهره‌وری و کند شدن روند رشد اقتصادی خواهد بود. بازار کار نیز از این مسئله آسیب جدی می‌بیند. در سال‌های اخیر، اقتصاد دیجیتال فرصت‌های شغلی گسترده‌ای ایجاد کرده است. بسیاری از این مشاغل ممکن است در مقیاس فردی کوچک به نظر برسند اما

مجموع آنها بخش قابل توجهی از اشتغال کشور را تشکیل می‌دهد. فروشندگان آنلاین، تولیدکنندگان محتوا، طراحان، برنامه‌نویسان، مترجمان، مدرسان مجازی، رانندگان پلتفرم‌های اینترنتی و ده‌ها گروه شغلی دیگر، معیشت خود را به اینترنت گره زده‌اند. اختلال در این زیرساخت نه تنها درآمد این افراد را کاهش می‌دهد بلکه آینده شغلی آنان را نیز با ابهام مواجه می‌کند. از این رو، قطع اینترنت صرفاً یک مسئله فنی نیست بلکه مستقیماً بر اشتغال، درآمد خانوارها و رفاه عمومی اثر می‌گذارد. در این میان جوانان بیش از سایر گروه‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند. نسل جدید بخش عمده‌ای از امید خود به آینده را در فرصت‌هایی جست‌وجو می‌کند که فناوری و اقتصاد دیجیتال در اختیارش قرار داده است. بسیاری از آنان بدون اتکا به منابع سنتی، توانسته‌اند کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کنند، مهارت‌های جدید بیاموزند و حتی در بازارهای جهانی حضور پیدا کنند. زمانی که دسترسی به اینترنت با نااطمینانی همراه می‌شود، در واقع بخشی از افق آینده این نسل نیز تیره‌تر می‌شود. جوانی که نمی‌داند آیا زیرساخت اصلی کسب‌وکارش فردا نیز در دسترس خواهد بود یا نه، چگونه می‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کند، سرمایه‌گذاری کند یا به ماندن و فعالیت در کشور امیدوار باشد؟

بدیهی است که امنیت برای هر جامعه‌ای اهمیت حیاتی دارد و بدون امنیت، رشد اقتصادی نیز امکان‌پذیر نیست. اما تجربه موفق کشورهای مختلف نشان می‌دهد که امنیت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که در خدمت توسعه اقتصادی، افزایش رفاه عمومی و حفظ حقوق شهروندان باشد. امنیتی که به بهای کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری، محدود شدن فرصت‌های جوانان و تضعیف حقوق اساسی شهروندان تأمین شود، در بلندمدت خود می‌تواند به منبعی برای نارضایتی و بی‌ثباتی تبدیل شود. به همین دلیل بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند حتی در شرایط بحرانی نیز زیرساخت‌های ارتباطی و اقتصادی را تا حد امکان فعال نگه دارند و میان ضرورت‌های امنیتی و حقوق شهروندان تعادل برقرار کنند.

به هر حال قطع اینترنت تنها به معنای محدود کردن دسترسی به اطلاعات نیست؛ این اقدام هم‌زمان حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. چنین تصمیمی می‌تواند فعالیت هزاران کسب‌وکار را مختل کند، فرصت‌های شغلی را از بین ببرد، سرمایه‌گذاران را دلسرد کند و مهم‌تر از همه، اعتماد را در محیط کسب‌وکار تضعیف نماید. اعتماد سرمایه‌ای است که به سختی به دست می‌آید اما به سادگی از بین می‌رود. اگر کارآفرینان و سرمایه‌گذاران به این نتیجه برسند که زیرساخت‌های اصلی فعالیت اقتصادی در معرض تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی قرار دارد، ترجیح خواهند داد سرمایه و استعداد خود را به محیط‌های ایاتبات‌متنقل کنند. از همین‌رو انتظار می‌رود نهادهای مسئول، همانند بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، راهکارهایی برای تأمین امنیت بیابند که کمترین آسیب را به آزادی مبادله، حقوق مالکیت و حقوق اساسی شهروندان وارد کند. آینده اقتصادی کشور بیش از هر زمان دیگری به اعتماد، نوآوری و مشارکت نسل جوان وابسته است. اینترنت دیگر یک انتخاب نیست؛ بخشی از زیرساخت حیاتی زندگی مدرن است. اینترنتی که هر لحظه امکان قطع شدن، محدود شدن یا تغییر قواعد دسترسی به آن وجود داشته باشد، نه می‌تواند بستر شکل‌گیری امید برای نسل جوان باشد و نه قادر است، زمینه‌ساز توسعه پایدار و رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در جهان امروز شود.

کرد. ارزش معاملات به ۹ هزار و ۶۹۶ میلیارد تومان رسید و در همین حال بیش از ۴ هزار و ۹۶۳ میلیارد تومان پول حقیقی وارد سهام، حق‌تقدّم‌ها و صندوق‌های سهامی شد. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج ۲ هزار و ۵۸۳ میلیارد تومان نقدینگی روبه‌رو شدند. این جابه‌جایی منابع مالی بیانگر آن است که بخشی از سرمایه‌گذاران در حال انتقال سرمایه خود از ابزارهای کم‌ریسک به بازار سهام هستند؛ روندی که در صورت تداوم می‌تواند به حفظ رونق بازار و افزایش ارزش معاملات کمک کند. یکی دیگر از شاخص‌های مهم معاملات دیروز قدرت بالای خریداران حقیقی بود. سرانه خرید حقیقی‌ها به ۱۱۶.۹ میلیون تومان رسید، درحالی که سرانه فروش حقیقی تنها ۴۱.۷ میلیون تومان ثبت شد. بر این اساس، نسبت قدرت خریدار به فروشنده به عدد قابل توجه ۲.۸۱ رسید؛ به این معنا که میانگین خرید هر سرمایه‌گذار حقیقی نزدیک به سه برابر میانگین فروش بوده است. این نسبت از مهم‌ترین نشانه‌های برتری تقاضا در بازار به‌شمار می‌رود و معمولاً در روزهای مشاهده می‌شود که سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری اقدام به خرید سهام می‌کنند. ترکیب آمارهای پایانی بازار نیز همین تصویر را تأیید می‌کند. در پایان معاملات ۸۲۰ نصد در محدوده مثبت قرار داشتند و تنها چهار نماد با افت قیمت مواجه شدند. همچنین ۷۹۳ نماد با صف خرید به کار خود پایان دادند، درحالی که تنها یک نماد صف فروش داشت. این ارقام نشان می‌دهد، بورس تهران در روز شنبه با شرایطی کم‌سابقه از نظر غلبه تقاضا و محدود بودن عرضه روبه‌رو بوده است؛ وضعیتی که از یک‌سو بیانگر خوش‌بینی گسترده فعالان بازار و از سوی دیگر نشان‌دهنده نقش پررنگ ورود نقدینگی در حمایت از روند صعودی قیمت‌هاست.

^[1] بورس تهران دیروز با ثبت یکی از کم‌سابقه‌ترین روزهای تاریخ بازار سرمایه به پایان رسید

^[2] بورس تهران دیروز با ثبت یکی از کم‌سابقه‌ترین روزهای تاریخ بازار سرمایه به پایان رسید



داغ الهام

گفت‌وگوی سازندگی با پدر الهام زائری

دختر ۱۱ ساله‌ای که در حمله آمریکا و اسرائیل به لامرد در باشگاه والیبال به شهادت رسید

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



«داغ اولاد آدم را می‌کشد؛ شما نمی‌دانید چه دردی دارد. ما نه زنده این دنیا می‌بینیم و نه مرده آن دنیا». این کلمات را گفت و خداحافظی کرد. در تمام مدتی که از دخترش و علاقه وافر او به والیبال می‌گفت او را در ذهنم مجسم می‌کردم؛ در سالن والیبال هنگام بازی، در حال کل‌کل با تیم مقابل و در میان آرزوهایش برای تبدیل شدن به یک بازیکن بزرگ، دختری که شب‌ها با تویی نزدیک به بالینش به خواب می‌رفت، با ذوق و شوق صفحه اینستاگرام بازیکنان مورد علاقه‌اش در تیم ملی را دنبال می‌کرد و هنگام تماشای بازی‌ها، غرق در هیجان می‌شد. همه چیز را تصور کردم. سعی کردم، خودم را جای پدر و مادر داغدارش بگذارم؛ غم‌شان به جانم نشست اما باز هم نفهمیدم، وقتی دختری ۱۱ ساله‌ات را، درست یک ماه پیش از روز تولدش، در سالن والیبال که آمریکا موشک‌های نسل جدیدش را روی آن امتحان کرده از دست بدهی، یعنی چه. شاید همه ما تجربه مرگ عزیزان را داشته باشیم اما مرگ فرزند- مرگ تکه‌ای از جان انسان- داغی نیست که سرد شود. به نبودنش هم عادت نمی‌کنیم؛ فقط تلاش می‌کنیم به‌خاطر بچه‌های دیگر مدتی زنده بمانیم تا روزی که دوباره به آغوش جگرگوشه از دست‌رفته‌مان برگردیم. نمی‌دانم... خواستم با خود او صحبت کنم؛ با احمد زائری، پدری که ساعت ۴ بعدازظهر نهم اسفندماه ۱۴۰۴ برای آخرین بار دخترش را راهی کلاس والیبال کرد و کمی بعد، آخرین نفس‌های او را در همان سالن، درحالی که ترکیبی کمرش را شکافته بود، دانه به دانه شمرد.

شب‌ها توپ والیبال را کنار عروسک‌هایش می‌گذاشت و می‌خوابید

از الهام بگو بید؟ چند ساله بود؟ عاشق والیبال بود، درست؟ «الهام عزیز من متولد سال ۱۳۹۴ بود. تقریباً یک ماه مانده بود که ۱۱ سالگی‌اش تمام شود و وارد ۱۲ سالگی شود که به شهادت رسید. الهام یک بچه نودی مسلمان و عاشق ایران بود. من چون تعزیه‌خوان هستم، این را از نزدیک لمس می‌کردم. عاشق ایران بود؛ از این جهت که شاهنامه‌خوان بود و بخش‌های زیادی از شاهنامه را حفظ می‌کرد. الان هم ۶ جلد شاهنامه در کتابخانه و روی میز اتاقش هست. علاوه بر ورزش، گل‌سازی هم می‌رفت و علاقه شدیدی به طراحی و گرافیک داشت. دختر بسیار پر جنب‌وجوشی بود؛ پر از شوق زندگی و سرشار از انگیزه. حدود سه سال قبل درحالی که دو برادرش به کشتی و بعدتر فوتبال علاقه پیدا کرده بودند، الهام به والیبال علاقه‌مند شد. علاقه او به والیبال فوق‌العاده بود. من باید بگویم اگر واقعاً می‌ماند شاید در آینده یکی از کسانی می‌شد که در والیبال حرف‌های زیادی برای گفتن داشت و به جایگاه‌های خوبی می‌رسید. آن قدر به والیبال علاقه داشت که شب‌ها توپ والیبالش را کنار عروسک‌هایش می‌گذاشت و می‌خوابید. حتی یک دست‌نوشته از او باقی‌مانده که روی آن نوشته بود: «من دوست دارم آن قدر در والیبال پیشرفت کنم که در آینده پدر و مادرم به من افتخار کنند». کلاس والیبال برایش اهمیت ویژه‌ای داشت. ما باید حداقل نیم‌ساعت زودتر او را به سالن می‌رساندیم. می‌رفتیم جلوی سالن می‌نشستیم تا در باز شود و او بتواند وارد شود. حتی در سفرها هم این علاقه را نشان می‌داد. یک ماه قبل از شهادتش به جزیره کیش رفته بودیم. سفر ما پنج روزه بود اما روز چهارم گفت: «بابا، من فردا کلاس دارم و باید برگردم». ما را مجبور کرد که زودتر برگردیم. طوری برنامه را تغییر دادیم که یک ساعت قبل از شروع کلاسش به لامرد رسیدیم و او رأس ساعت ۴ بعدازظهر در کلاس حاضر شد. تمام مسابقات تیم ملی والیبال را دنبال می‌کرد. بازیکنان را می‌شناخت، صفحه‌هایشان را در اینستاگرام دنبال می‌کرد و واقعاً عاشق والیبال بود. به نظرم در این رشته آینده درخشانی می‌توانست داشته باشد.

وقتی رسیدم هنوز جان داشت

مکشی کرد، می‌توانید از روز حادثه برای ما بگویید؟ اما درباره روز حادثه: آن روز ما اصلاً اطلاع نداشتیم که در تهران چه اتفاقاتی افتاده و چه کسانی به شهادت رسیده‌اند. فقط خبرهایی پراکنده شنیده بودیم که جاهایی را زده‌اند و به همین دلیل بعضی مدارس تعطیل شده بودند. ما قرار بود ساعت ۵ ظهر به شیراز برویم. همه وسایلی را آماده کرده بودیم و برای حرکت آماده بودیم اما الهام گفت: «من ساعت ۴ کلاس دارم». هر کاری کردیم راضی‌اش کنیم که آن روز کلاس را نرود و مستقیم به شیراز برویم، قبول نکرد. تا ۱۰ دقیقه مانده به ساعت ۴ همچنان اصرار می‌کرد که باید در کلاس حاضر شود. با وجود همه خواهش‌های ما، روی تصمیمش ایستاد. ماشین آماده بود، وسایلی جمع شده بود و همه چیز برای سفر مهیا

بود. در نهایت گفتیم خیلی خوب، برو کلاس؛ ساعت ۵:۳۰ که کلاس تمام شد، می‌آیم دنبالت و از همان جا حرکت می‌کنیم. پسرم عرفان، الهام را به کلاس رساند. حدود یک ساعت تا یک ساعت و ۲۰ دقیقه گذشته بود. خانه ما فاصله زیادی با سالن ندارد؛ اگر بخواهم فاصله هوایی را بگویم شاید حدود یک کیلومتر باشد. من داخل خانه نشسته بودم که صدای انفجار اول را شنیدم. همان لحظه گفتم: «زدند!» از خانه بیرون آمدم و وارد حیاط شدم که انفجار دوم رخ داد. موج انفجار تا خانه ما هم رسید. سریع به همسرم و پسرم گفتم حرکت کنید. همان موقع هم دیدم از سمت سالن ورزشی دود بلند شده است.

چند دقیقه بعد به سالن رسیدید؟ شرایط اطراف سالن چطور بود؟ با ماشین شاید سه تا چهار دقیقه راه بود؛ حدود یک کیلومتر فاصله داشت. وقتی دود را از سمت سالن دیدم به همسرم گفتم:



من خودم شستم دارم آنقدر تلاش کنم زودتر آئینه والیبال دست منم برشم
مگرفروان را با هم افتخار کنتم

«خدا کند سالن را زنده باشند». چون من هر روز الهام را به آنجا می‌بردم و می‌دانستم چه تعداد بچه در زمین چمن و چه تعداد در سالن سرپوشیده حضور دارند.

همسرم و پسرم با ماشین زودتر حرکت کردند و من هم پشت سرشان رفتم. وقتی رسیدیم، دیدیم بچه‌ها آنجا پراپرا شده‌اند. الهام عزیز من هم داخل سالن افتاده بود. از ناحیه پشت کمرش ترکش خورده بود و تقریباً می‌توانم بگویم که همان جا داشت جان می‌داد.

یعنی وقتی شما رسیدید، هنوز زنده بود؟

بله، وقتی رسیدیم و بالای سرش رفتم هنوز جان داشت اما دیگر لحظات آخرش بود. سریع او را بلند کردم، داخل ماشین گذاشتم و به سمت بیمارستان حرکت کردم. من جزو اولین نفراتی بودم که به محل رسیدم. او را به بیمارستان رساندیم اما متأسفانه دکتر گفت که در مسیر تمام کرده و دیگر از دنیا رفته است.

ترکش به کدام قسمت بدنش اصابت کرده بود؟

به پشت کمرش. از ناحیه پشت و باسن ترکش وارد شده بود و از سمت دیگر بدن خارج شده بود. دکترها گفتند که آسیب بسیار شدید بوده است. من دو پسر دارم: عرفان که پسر بزرگم و دانشجو است متولد ۱۳۸۲ و احسان که متولد ۱۳۸۴ است. ۱۰ سال بعد خدا این در را به روی ما باز کرد و الهام به دنیا آمد.

الهام را کجا به خاک سپردید؟

در گلزار شهدای مرکزی لامرد، در قطعه شهدا.

گروه جهادی به نام الهام

شنیدم قرار است، برای زنده نگه‌داشتن نام الهام، گروه جهادی تشکیل دهید، درست است؟

بله، بعد از ایمن اتفاق تصمیم گرفتیم، کاری کنیم که نام الهام همیشه زنده بماند. یک گروه جهادی درحال راه‌اندازی داریم که به نام الهام خواهد بود. هدفم این است که دختران دبستانی خانواده‌های کم‌بضاعت را شناسایی کنیم و در حد توان، هم در زمینه تحصیل و هم در زمینه ورزش، به‌ویژه والیبال، از آنها حمایت کنیم. چون همسر من قبلاً والیبال بازی می‌کرد، علاقه ویژه‌ای به این رشته داریم. برنامه‌ام این است که دختران مستعد را پیدا کنیم و روی آنها کار کنیم. امیدوارم بتوانیم در آینده این طرح را به شکل موفق‌تری اجرا کنیم تا هم نام الهام ماندگار شود و هم کمکی به بچه‌هایی باشد که به حمایت نیاز دارند. می‌خواهیم در مدارس، در تهیه کیف، کفش و وسایل نیازهای دانش‌آموزان کم‌بضاعت کمک کنیم و در کنار آن در حوزه ورزش، به‌خصوص والیبال دختران دبستانی، فعالیت داشته باشیم. امیدوارم این کار هم باعث آرامش دل ما شود و هم خیر و برکتی به نام الهام از آن باقی بماند.

دیگر نمی‌توانیم شیراز برویم

به شیراز رفتید یا در لامرد ماندید؟

ما ساکن لامرد هستیم. شیراز در واقع محل زندگی دوم ماست.

چهار ماه گرم سسال یا در تعطیلات بچه‌ها را به آنجا می‌بردیم

و گاهی هم چند روزی برای تغییر آب‌وهوا می‌رفتیم. اما آن روز دیگر شرایط فرق کرده بود. واقعیت این است که بعد از آن دیگر نتوانستیم به شیراز برویم. فقط یک بار به دعوت حوزه هنری رفتیم. باور می‌کنید از لامرد تا شیراز، یعنی حدود ۴۰۰ کیلومتر مسیر فقط گریه کردیم چون اولین سفری بود که بدون الهام انجام می‌دادیم. حتی وقتی به شیراز رسیدیم، نتوانستیم به خانه خودمان برویم. هر گوشه‌ای از آنجا یادآور الهام بود. بچه‌ها در حیاط ساختمان بازی می‌کردند و خاطراتش همه جا زنده بود. هنوز هم نتوانسته‌ایم با این فقدان کنار بیایم.

آنهايي که شهيد شدند، سياسي نبودند

مادر الهام چطور است؟

واقعاً حال خوبی ندارد. همین پریشب آن قدر دل‌تنگ شد و گریه کرد که مجبور شدیم او را به بیمارستان ببریم. باور می‌کنید آن قدر گریه کرده بود که در نهایت با آرام‌بخش خوابش برد؟ الهام تنها دختر ما بود؛ تنها دختر. ما این یک دختر را با عشق بزرگ کردیم. هر جا می‌خواست برود، هر سفری که دوست داشت، هر برنامه‌ای که داشت تا جایی که می‌توانستیم در کنارش بودیم و حمایتش می‌کردیم.

شما هیچ‌وقت فعالیت سیاسی نداشتید، درست است؟

نه، اصلاً. من یک بازاری هستم و کاری به سیاست ندارم. نه اهل کارهای دولتی هستم نه اهل جناح‌بندی‌های سیاسی. زندگی ما در بازار و کار خودمان می‌گذشت. الان هم وقتی به این ۲۱ شهید نگاه می‌کنم، می‌بینم هیچ‌کدام آدم سیاسی نبودند. مردم عادی بودند؛ رهگذر بودند، راننده بودند، ورزشکار بودند، بچه‌هایی بودند که فقط برای ورزش و زندگی رفته بودند و... .

مثلاً یک راننده تاکتور آنجا شهید شد. یا دکتر امینی که از نورژ به لامرد برگشته بود تا تعطیلات نوروز را در فضای سرسبز لامرد و کنار خانواده و بستگانش بگذراند. همان لحظه‌ای که با خودرویش در آن محدوده دور می‌زد، شهید شد. یا در شهرک‌هایی که هدف قرار گرفتند، آدم‌های بی‌گناه زیادی جان خودشان را از دست دادند. هوای لامرد گرم است و مردم عصرها جلوی خانه‌هایشان می‌نشینند. خیلی‌ها به همین شکل شهید شدند. خانواده‌هایی داریم که دو نفر از اعضای‌شان را از دست داده‌اند. افرادی بودند که دم در خانه نشسته بودند و موشکی که به شهرک اصابت کرده، درست کنار خانه آنها فرود آمده و جانشان را گرفته است.

معروف شد اما نه با والیبال

از خودتان بگویید؟

گاهی با خودم می‌گویم، الهام دوست داشت معروف شود و حالا معروف شده است. البته نه از این جهت که اسمش مطرح شود؛ آرزوی این بود که در والیبال شناخته شود، در فعالیت‌های فرهنگی شناخته شود و در کاری که دوست داشت به موفقیت برسد. الهام علاقه عجیبی به کارهای فرهنگی داشت. هر مناسبتی که پیش می‌آمد، خودش مطالب را جمع‌آوری می‌کرد و در مراسم صبحگاه مدرسه اجرا می‌کرد. شاهنامه را حفظ می‌کرد و به آن علاقه ویژه‌ای داشت. سال گذشته دانشگاه آزاد برای روز فردوسی از یک دانش‌آموز دعوت کرده بود که بیاید و اشعاری از شاهنامه را در سالن دانشگاه بخواند. از مدرسه گفته بودند، الهام ظاهراً این اشعار را از حفظ بلد است. او را برده بودند آنجا و اجرا کرده بود. اگر فیلمش را ببینید، تعجب می‌کنید که یک دختر کلاس چهارمی چطور خودش را معرفی می‌کند و چطور شاهنامه را از حفظ می‌خواند. همه اینها هم به برکت فعالیتش در مجالس امام حسین (ع) بود. در مراسم‌ها حضور داشت، برنامه اجرا می‌کرد و اصلاً از جمعیت نمی‌ترسید. ابایی نداشت که مقابل تعداد زیادی آدم بایستد و صحبت کند یا چیزی بخواند. هیچ‌وقت نمی‌گفت نمی‌توانم یا خجالت می‌کنم. روحیه‌اش این‌گونه بود.

دل‌می‌خواست حتی با لباس والیبال به خاک بسپاریمش

در کنار همه اینها، علاقه‌اش به والیبال واقعاً وصف‌نشدنی بود. من نمی‌دانم چقدر این دختر عاشق والیبال بود. باور کنید وقتی به محل حادثه رسیدم با همان لباس والیبال شهید شده بود. او را با لباس والیبال از زمین بلند کردند. با همان لباس والیبال جان داد. حتی اگر محدودیت‌های مربوط به دفن وجود نداشت دلمان می‌خواست با همان لباس والیبال به خاک سپرده شود. این قدر این ورزش برایش مهم بود و این قدر با آن زندگی می‌کرد. مرگ فرزند واقعاً انسان را می‌شکند. باورتان نمی‌شود چه دردی دارد. انگار پاره‌جگر آدم را از او جدا می‌کنند. این چیزی نیست که بشود با کلمات توصیفش کرد، می‌دانید، ما نه زنده این دنیا می‌بینیم و نه مرده آن دنیا.

زمین؛ رانت قدیمی در لباس تازه

زمین‌خواران در کمین حریم تهران

محمد محمدی

جامعه‌شناس شهری



داستان زمین در تهران، داستانی تازه نیست. از همان سال‌هایی که پایتخت قاجار هنوز شهری محدود با حصاری خشکی بود، زمین در اطراف آن نه فقط خاک بلکه سرمایه‌ای برای قدرت و نفوذ محسوب می‌شد. در دوره ناصرالدین‌شاه بسیاری از رجال درباری به‌خوبی فهمیده بودند که ارزش واقعی زمین نه در وضعیت فعلی آن بلکه در آینده‌ای نهفته است که تصمیمات حکومت رقم می‌زند. روایت مشهور خرید زمین‌های اطراف تهران توسط مستوفی‌الممالک، وزیر بانفوذ دربار، دقیقاً از همین منطق پیروی می‌کند. او با آگاهی از مسیر توسعه شهر و دسترسی به حلقه تصمیم‌گیری، زمین‌هایی را در اطراف پایتخت خریداری کرد که آن زمان چندان ارزشی نداشتند اما با گسترش شهر به سرمایه‌های عظیم تبدیل شدند. این الگو، یعنی پیش‌خرید آینده شهر از طریق دسترسی به اطلاعات و قدرت، بعدها به یکی از ویژگی‌های پایدار اقتصاد زمین در تهران تبدیل شد. با ورود ایران به دوره مدرن، شکل زمین‌داری تغییر کرد اما منطق کسب ثروت از زمین همچنان باقی ماند. در دوره پهلوی گسترش تهران و اجرای طرح‌های توسعه شهری موجب افزایش ارزش زمین‌های پیرامون شهر شد و سود اصلی نصیب افرادی گردید که از این تغییرات از پیش اطلاع داشتند. پس از جنگ و در دهه ۷۰ نیز با رشد جمعیت و تقاضای مسکن، زمین‌های اطراف تهران به کانون سرمایه‌گذاری تبدیل شدند. در این میان «حریم شهر» که قرار بود، مانع توسعه بی‌ضابطه باشد به بستری برای شکل‌گیری رانت بدل شد؛ زیرا بسیاری از زمین‌های حریم با انتظار ورود به محدوده شهری خرید و فروش می‌شدند.

این الگوی تاریخی در سال‌های اخیر نیز ادامه یافته و همزمان با تشدید شرایط جنگی و تمرکز نهادهای مسئول بر مسائل امنیتی، نشانه‌های تازه‌ای از تصرف و تغییر کاربری زمین در حریم تهران دیده می‌شود. گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که برخی مسودجوانان از کاهش حساسیت نظارتی برای پیشبرد پروژه‌های زمین‌خواری استفاده کرده‌اند. این روند به‌ویژه در محوره‌های غربی و جنوب‌غربی تهران ازجمله اطراف وردآورد، چهاردانگه، اسلامشهر و رباط‌کریم مشاهده می‌شود. در این مناطق، زمین‌های کشاورزی و باغی به‌تدریج تفکیک و برای ساخت‌وساز آماده می‌شوند؛ فرآیندی آرام و تدریجی که پس از تثبیت، بازگرداندن اراضی به وضعیت اولیه را دشوار می‌کند.

یکی از نمونه‌های قابل مشاهده در ماه‌های اخیر، تغییر کاربری تدریجی برخی اراضی در حاشیه بزرگراه شهید خرازی و امتداد غربی آن است؛ جایی که زمین‌های کشاورزی و باغی به قطعاتی تبدیل شده‌اند که برای احداث انبارها، کارگاه‌ها یا حتی واحدهای مسکونی غیررسمی آماده می‌شوند. نمونه دیگر در محدوده جنوب تهران و اطراف جاده ساوه دیده می‌شود؛ جایی که برخی زمین‌های بایر در مدت کوتاهی دیوارکشی شده و به قطعات کوچک‌تر تقسیم شده‌اند، درحالی که هنوز مجوز رسمی برای تغییر کاربری آنها صادر نشده است. مجموعه این تحولات نشان می‌دهد که بازار زمین همچنان بر همان منطق دیرینه حرکت می‌کند؛ پیش‌دستی بر تصمیمات آینده شهر و بهره‌برداری از هر موقعیتی که امکان نظارت و مداخله عمومی را کاهش دهد؛ حتی اگر آن موقعیت، شرایط بحرانی جنگ باشد. از منظر جامعه‌شناسی شهری، زمین در تهران همواره نوعی «سرمایه فضایی» بوده است؛ سرمایه‌ای که ارزش آن نه تنها از مکان و بازار بلکه از دل سیاست‌گذاری عمومی شکل می‌گیرد. زمین در تهران دیگر صرفاً بستر مصرف و سکونت نیست بلکه به کالایی استراتژیک در اقتصاد سیاسی شهر تبدیل شده است. به‌محض آنکه دولت یا شهرداری تصمیمی درباره احداث خط مترو، بزرگراه یا شهرک جدید می‌گیرد، ارزش زمین‌های پیرامون آن چند برابر می‌شود. در چنین وضعیتی، افرادی که پیش از اعلام رسمی این تصمیمات اقدام به خرید زمین کرده‌اند، سودی به‌دست می‌آورند که در واقع محصول سرمایه‌گذاری عمومی است نه تلاش فردی.

مشکل اصلی نیز از همین جا آغاز می‌شود: ارزش زمین در تهران عمدتاً نتیجه تصمیمات با بالا به پایین است و سود حاصل از این تصمیمات برای گروه خاصی می‌شود. هنگامی که نظام برنامه‌ریزی فضایی کشور بدون مشارکت و نظارت مؤثر شهروندان عمل می‌کند این چرخه تشدید می‌شود. به بیان دیگر شهر ثروت تولید می‌کند اما این ثروت به‌طور برابر میان ساکنان توزیع نمی‌شود و همین مسئله شکاف‌های فضایی عمیقی پدید می‌آورد؛ محله‌هایی با قیمت‌های نجومی در کنار مناطقی که حتی از خدمات پایه شهری محروم‌اند؛ موضوعی که مقابله با آن را فراتر از اقدامات قضایی می‌برد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتانی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلتانی
مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروفچین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش: سینمای جهان

اعتراف مادر ازدهایان

روایت امیلیا کلارک از شهرت، مرگ و موفقیت

صبح روز بعد از مراسم جوایز امی ۲۰۱۹ امیلیا کلارک با یک هدف از خواب بیدار شد: اینکه تعریف خود از موفقیت را از آنسو بسازد. کلارک با هر معیاری که بسنجید از قبل هم بسیار موفق بود. او علاوه بر بازی در اسپین‌آف‌های پرزینه «ترمیناتور» و «جنگ ستارگان» به لطف ایفای نقش شاهزاده جنگجوی داستان، در نریس تارگرین، در سریال فانتزی پرفروش «بازی تاج‌وتخت» عملاً ملکه درام تلویزیونی محسوب می‌شد. در نریس با روحیه جسورانه به نمادی از توانمندسازی زنان تبدیل شد؛ تاجایی که لباس او به یکی از محبوب‌ترین انتخاب‌ها در مهمانی‌های لباس مبدل، بدل شد و چهره‌هایی مانند مونا و کلونی کارداشیان نیز در قالب او ظاهر شدند.

امس فیلم‌های «ترمیناتور: جنسیس» در سال ۲۰۱۵ و «سولو: داستانی از جنگ ستارگان» در سال کمتر از انتظار ظاهر شدند. سپس در ماه مه ۲۰۱۹ «بازی تاج‌وتخت» با پایانی ناگهانی و تقریباً منفور برای همه به پایان رسید. با این حال چهار ماه بعد او در مراسم امی حضور داشت: نخستین بار که در بخش بهترین بازیگر زن نقش اصلی درام نامزد می‌شد پس از آن که پیش‌تر سه بار در بخش نقش مکمل نامزد شده بود. او می‌گوید: «اعترافش برایم خجالت‌آور است اما نبردن جایزه امی واقعاً مسئله مهمی برایم بود». صبح روز بعد، کلارک با خود عهد کرد که دیگر هرگز «اینگونه رفتار نکند». با سرزنش خود فکر کرد: «من از این آدم خوشم نمی‌آید». راه‌حل، به نظرش، تعریف دوباره موفقیت بود. او با خنده‌ای که خودش را دست می‌اندازد، می‌گوید: «چون ظاهراً تصور من از موفقیت، شبیه تصویر یک نوجوان ۱۳ ساله است».

مسیر او تا رسیدن به «بازی تاج‌وتخت» اتفاقی بود. دیوید بنیاف و دی بی، ویس، سازندگان سریال، ابتدا قسمت آزمایشی را با بازی تمزین مرچنت در نقش دنیس فیلم‌برداری کرده بودند اما پس از دریافت بازخوردهای بسیار منفی از سوی اچی او، بخش عمده آن را کنار گذاشتند و چندین نقش را دوباره انتخاب کردند. کلارک آن زمان در موزه فیلم لندن کار می‌کرد. پس از چندین مرحله تست بازیگری در لندن و لس‌آنجلس، نقش دنیس به او رسید: «واقعاً سه هفته تمام جشن گرفتم». اما زمانی که در تعطیلات پیش از تولید، همراه والدینش، برای نخستین بار صحنه‌های خود را خواند از ترس گریه کرد. در نخستین دقیق حضور دنیس در سریال، او باید برهنه می‌شد و برداشش نقشه خود برای ازدواج دادن او با یک قبيله کوچ‌نشین جنگجو را توضیح می‌دهد.

کلارک تأکید می‌کند که در جریان ساخت سریال با نوعی بی‌توجهی عمومی نسبت به احساسات یک دختر ۲۳ ساله مواجه بوده است. مجموعه «بازی تاج‌وتخت» به یک پدیده فرهنگی تبدیل شد و زندگی بازیگرانش را از جنبه‌های مختلف زیرورو کرد. نخست، امنیت مالی بود؛ تا جایی که کلارک توانست، وام مسکن والدینش را تسویه کند. او می‌گوید دستمزد مشهور ۲۰۰ هزار دلاری برای هر قسمت که درباره بازیگران اصلی مطرح شده بود به شدت اغراق‌آمیز است: «اما این قدر پول در نمی‌آوردیم. تصورش را می‌کنید؟ اگر آن قدر درآمد داشتم الان چندتا پورشه سوار می‌شدم!» البته شهرت جهانی هم از راه رسید؛ چیزی که او را هم می‌ترساند. اما درحالی که جهان از موفقیت او حرف می‌زد، تحولات عظیم دیگری نیز در زندگی کلارک رخ می‌داد؛ یا دقیق‌تر بگوییم، در مغزش. مدت کوتاهی پس از پایان فیلم‌برداری فصل اول «بازی تاج‌وتخت»، او در باشگاه ورزشی از حال رفت. علت، خونریزی مغزی بود که به بستری فوری و جراحی اورژانسی منجر شد. اندوه دیگری نیز در راه بود. پس از فصل هفتم «بازی تاج‌وتخت» پدرش بر اثر سرطان درگذشت. سپس پایان جنجالی سریال، جوایز امی و همه‌گیری کرونا از راه رسید. خارج از «بازی تاج‌وتخت» کلارک در چند دنباله و جهان داستانی مشهور دیگر نیز ظاهر شد؛ مسیری که با مجموعه مارولی «تهاجم پنهان» در سال ۲۰۲۲ به پایان رسید و خیلی زود به فراموشی سپرده شد. اما در نهایت فهمید که شاید شغل بی‌نقص - درست مثل خانه بی‌نقص یا مرد رویایی - اصلاً وجود نداشته باشد. بهر پسر است از مسیر لذت برد. این شد دومین گام در تعریف تازه موفقیت: پذیرفتن نقش‌ها فقط به این دلیل که از انجامشان لذت می‌برد.

کلارک طی ۸ سال دنیس را جان بخشید و بی‌تردید او در این کار موفق شد و «مادر ازدهایان» را به یکی از ماندگارترین نمادهای فرهنگ عامه تبدیل کرد. اما تنها اکنون و با فاصله گرفتن از آن سال‌هاست که کلارک می‌تواند، آن تجربه را به‌طور کامل درک کند.

در انتظار ویزا

تیم ملی ایران و چالش‌های حضور در آمریکا



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ



تیم ملی فوتبال ایران، عصر جمعه در یک بازی تدارکاتی در شهر آنتالیای ترکیه، با وجود اینکه با یک گل از حرفش عقب افتاده بود، توانست با سه گل به برتری برسد. مسابقه‌ای که چند روز پس از چالش‌های مربوط به برگزاری اردو در ایالات متحده آمریکا برگزار شد. تیم ملی ایران البته که بعد از مشکلات موجود، توانست کمپ تیخوانا مکزیک را برای برگزاری اردوی حضور در مسابقات، مهیا کند. اتفاقی که با موفقیت کلودیا شینبائوم، رئیس‌جمهور مکزیک و هماهنگی با فیفا انجام شد. تیم ملی ایران قرار است هر سه مسابقه خود در مرحله گروهی مسابقات جام جهانی ۲۰۲۶ را در ایالات متحده برگزار کند اما جنگ و تهاجم آمریکا و اسرائیل به ایران تا این زمان، مسئله ورود و حضور تیم ملی در این مسابقات را با ابهام مواجه کرده است. گفته می‌شود، تیم ایران که باید در سه بازی برابر نیوزلند، بلژیک و مصر در شهرهای لس‌آنجلس و سیاتل به میدان برود، می‌تواند مجوز عبور و مرور مرزی را برای برگزاری این مسابقات دریافت کند. اگر چنین ویزایی برای تیم ملی ایران صادر شود احتمالاً تیم ایران تنها برای برگزاری بازی به آمریکا می‌رود و مستقیم از ورزشگاه به کمپ تیخوانا باز خواهد گشت.

زدیک‌تر از آریزونا

تیم ملی ایران ابتدا قرار بود که در توسان آریزونا و کمپ کینو حضور داشته باشد که مسافت آن تا ورزشگاه محل دو مسابقه اولس در لس‌آنجلس چیزی حدود ۸۰۰ کیلومتر بود اما اکنون تیم ملی باید فاصله بیش از ۲۰۰ کیلومتری از تیخوانا تا ال ای را طی کند. اتفاقی که به‌ظاهر می‌تواند به سود تیم ملی ایران باشد. هرچند بازی سوم تیم ملی ایران برابر مصر که در شهر سیاتل برگزار می‌شود به آسانی لس‌آنجلس نخواهد بود و کاروان تیم ملی باید بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر برای این بازی سفر کند.

در انتظار ویزا

درحالی که رسانه‌های مختلف از ویزای روزانه و مجوز ورود و خروج تیم ملی از مکزیک به آمریکا در زمان بازی‌ها می‌گویند، محمد مهدی نبی، نایب‌رئیس اول فدراسیون فوتبال ایران بعد از بازی برابر گامبیا گفت که با ارسال نامه‌ای به فیفا خواهان دریافت قطعی ویزاها شده‌اند. او البته اذعان کرد که به ویزای چندبار ورود به آمریکا و ورود به مکزیک نیاز دارند. با این وجود، آخرین اخبار حاکی است که در هفته جاری سرنوشت صدور ویزا برای اعضای تیم ملی ایران مشخص خواهد شد. نکته نگران‌کننده‌ای که وجود داشت درباره برخی از بازیکنان مانند مهدی طارمی و احسان حاج‌صفی بود. هرچند طارمی به‌خاطر بازی‌های جام باشگاه‌های جهان ویزای آمریکا را دریافت کرده و ویزای او کماکان اعتبار دارد. اما اینکه دیگر بازیکنان و عوامل کادرفنی چه سرنوشتی خواهند داشت هنوز مشخص نیست.

اردوی تیخوانا

درساره اردوی تیخوانای تیم ملی ایران نیز اخبار و نظرات مختلفی منتشر شده است. شاید معتبرترین آنها حرف‌های محمد مهدی نبی، نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال باشد که اعلام

کرد این پیشنهاد از سوی فیفا مطرح شد و ایران آن را پذیرفت. نکته جالب اینجاست که براساس برخی اخبار، مکزیک نیز هنوز ویزای تیم ملی ایران را صادر نکرده است. هرچند با توجه به موافقت رئیس‌جمهور این کشور و هماهنگی با فیفا، بعید است تیم ملی در این مسیر دچار مشکلی شود. به‌نظر مهم‌ترین مسئله همان ویزای آمریکا باشد که تا این لحظه، با وجود تعیین تکلیف نشدن، امیدواری زیادی نسبت به صدور مجوز ورود برای تمام تیم ملی ایران وجود دارد. هرچند این اتفاقی است که می‌تواند روی میزان آمادگی روحی و روانی تیم تأثیرگذار باشد.

بی‌سابقه در تاریخ جام جهانی

این اولین بار در تاریخ جام‌های جهانی است که این مسابقات در کشوری برگزار می‌شود که در حال جنگ با یکی از شرکت‌کننده‌هاست. با این وجود، تیم ملی ایران باید مسابقاتش را در شهری برگزار کند که بزرگ‌ترین جمعیت ایرانی آمریکا را در خود جای داده است. آنچه مشخص است این است که تأثیر حوادث و اتفاقاتی که از سال ۱۴۰۱ و پس از مرگ مهسا امینی پیش از جام جهانی ۲۰۲۲ قطر رخ داد، اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ سپس جنگ اخیر، میان افسکار و گروه‌های مختلف ایرانی داخل و خارج کشور به اوج رسیده است. موضوعی که به احتمال زیاد، خودش را در زمان بازی‌های تیم ملی در لس‌آنجلس نشان خواهد داد.

شاید در حال حاضر نه مسئولان فدراسیون فوتبال و تیم ملی و نه مسئولان برگزارکننده مسابقات و حتی تماشاگران نمی‌دانند چه اتمسفر و شرایطی در زمان بازی‌های تیم ملی ایران در تهران‌جلس وجود خواهد داشت. با این وجود، درحال حاضر مهم‌ترین مسئله این است که آیا مجوز ورود تیم ایران به خاک آمریکا صادر می‌شود؟ اما پس از آن، مسائل مهم دیگری هم وجود دارد؛ یک جامعه‌شناس آمریکایی دانشگاه



کالیفرنیا که درباره جامعه ایرانیان مهاجر پژوهش می‌کند، در این باره می‌گوید: «ورزش قرار است جایگزین جنگ شود نه اینکه خودش به بخشی از جنگ تبدیل شود. وقتی تیم‌ها در شرایطی با هم رقابت می‌کنند که میان کشورها جنگ جریان دارد، هضم این وضعیت بسیار دشوار است».

براساس آمار مرکز مطالعات خساور نزدیک دانشگاه کالیفرنیا حدود ۱۶۶ هزار ایرانی - آمریکایی در لس‌آنجلس زندگی می‌کنند. اعتراضات ماه‌های گذشته سپس جنگ، اختلاف‌نظرهای عمیقی در میان جامعه ایرانیان شهر ال ای به‌وجود آورده است. برخی ایرانیان شاید اکنون شرایط متناقضی را تجربه می‌کنند. بسیاری از برگزاری جام جهانی همچنان زنده‌اند و قصد دارند از تیم ملی ایران حمایت کنند. با این حال، فضا حکایت از وجود احساسات پیچیده و دوگانه‌ای میان جمعیت بزرگ مهاجران ایرانی در این شهر دارد. آنچه خیرها و گزارش‌ها نشان می‌دهد و احتمالاً بازیکنان

و اعضای تیم ملی نیز از آن باخبر هستند، این است که جامعه ایرانی آمریکا درباره حضور تیم ملی در جام جهانی به دو دسته تقسیم شده‌اند. در واقع فوتبال ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به اتفاقات سیاسی گره خورده است. براساس همین اخبار به‌نظر می‌رسد در زمان مسابقات تیم ملی ایران و حاشیه آن در جام جهانی این دوره شاهد تجمعات و برنامه‌هایی از سوی مخالفان باشیم. هرچند باید دید، فیفا چقدر می‌تواند روی برگزاری مسابقات و کنترل فضای آن تسلط داشته باشد. اتفاقی که تا حدود زیادی در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر رخ داد.

سفر به سرزمین همیشه بهار

تیم ملی ایران روز پنج‌شنبه در آنتالیای یک دیدار تدارکاتی دیگر با تیم ملی مالی برگزار خواهد کرد و پس از آن راهی مکزیک خواهد شد. رسانه‌های مکزیک دیروز گزارش دادند که مقام‌های ایالت باخا کالیفرنیا مکزیک با شتاب در حال هماهنگی امور لجستیکی و امنیتی برای ورود تیم ملی فوتبال ایران هستند. تیم ملی ایران اردوی خود را در مرکز «شولولیتسکوینتله»، مجموعه تمرینی باشگاه تیخوانا، برپا خواهد کرد و انتظار می‌رود، اعضای تیم ایران تا پایان هفته و بلافاصله بعد از دیدار با مالی، راهی این کشور شوند.

ابوالفضل پسندیده، سفیر ایران در مکزیک روز پنج‌شنبه از کلودیا شینبائوم، رئیس‌جمهور، بابت پذیرش استقرار اردوی تیم ملی ایران در این کشور تشکر و از مهمان‌نوازی شهر مرزی تیخوانا که تنها چند کیلومتر با سن‌دیگو فاصله دارد، تمجید کرد: «دوست را باید در مواقع سختی شناخت». او این ضرب‌المثل را هم درباره شرایطی که مکزیک‌ها برای حضور تیم ملی فراهم کردند، استفاده کرد. اما از مهم‌ترین دلایلی که رسانه‌های مکزیک درباره دلایل حضور ایران در تیخوانا مطرح کرده‌اند، عدم تمایل دونالد ترامپ و مقام‌های آمریکایی به حضور تیم ملی ایران در روزهای خارج از مسابقات در این کشور بوده است. از این‌رو، روز جمعه مقام‌های دولت مکزیک و ایالت باخا کالیفرنیا در این کشور به همراه نمایندگان نهادهای امنیتی مکزیک و آمریکا هماهنگی‌های لازم برای ورود تیم ملی ایران را انجام دادند. براساس برنامه‌ریزی‌ها حدود ۳۰۰ نیروی فدرال برای تقویت تدابیر امنیتی وارد باخا کالیفرنیا مکزیک خواهند شد. همچنین گروهی از نیروهای تخصصی فیفا و اعضای هیأت ایرانی نیز در این عملیات مشارکت خواهند داشت.

همچنین مسئولان باشگاه تیخوانا به مسئولان فدراسیون فوتبال ایران اعلام کرده‌اند که تیم ملی می‌تواند روی حمایت جامعه محلی این ایالت حساب کند. آنها اعلام کرده‌اند که از انتخاب تیخوانا به‌عنوان محل استقرار تیم ملی ایران در جام جهانی احساس افتخار می‌کنند.

باز هم روزهای سخت

تیم ملی فوتبال ایران در رسیدن به جام جهانی روزهای سخت کم نداشته است. صعود به‌عنوان تنها تیم به جام جهانی ۱۹۷۸ بعد از تلاش نافرجام در مقدماتی ۱۹۷۴ و صعود تاریخی به جام جهانی ۱۹۹۸ بعد از رقم خوردن حماسه ملیورن. با این حال، جام جهانی ۲۰۲۶ یکی از دشوارترین تجربه‌های تیم ملی ایران خواهد بود. جنگ، تحریم‌ها و نبود بازی‌ها و اردوی تدارکاتی، شرایط را به‌اندازه کافی برای تیم ملی دشوار کرده است.